

فصلنامه

خانه موسیقی ایران

سال دوازدهم - شماره ۴۶ - تابستان ۱۴۰۱



کتاب و آلبوم موسیقی

فراخوان هفتمین دوره
جایزه دو سالانه

خاندان ساز

چهارمین نمایشگاه سازخانه موسیقی ایران





فهرست

- تلخی‌های مکرر / ۲
گزارش نشست‌های تابستانه خانه موسیقی / ۳
گفت‌وگو با نزهت امیری: آموزش باید صفر تا صدی باشد / ۷
در نشست پژوهشی ضرورت‌های ترانه در موسیقی پاپ مطرح شد: سخت‌گیری در ممیزی نتیجه معکوس دارد / ۱۲
در اولین نشست تخصصی کانون صدایداران مطرح شد: مشکلاتمان حل‌شدنی است اگر کنار هم باشیم / ۱۴
فراخوان هفتمین دوره جایزه دوسالانه کتاب و آلبوم موسیقی منتشر شد / ۱۵
تشکیل گام با استفاده از جایگست ۱ دو تترکرد / ۱۶
نگاهی به آثار و زندگانی حسین تهرانی / ۱۸
آسیب‌شناسی دلایل افول فرهنگ شنیداری ایرانیان و ارائه راهکاری در قالب یک پویش ملی / ۲۰
پیوند موسیقی و دین ناگسستگی است / ۲۲
اساسنامه خانه بازنگری و مواردی اصلاح شد / ۲۵
غروب «سایه» در باغ محتشم / ۲۶
پیکر ابراهیم قنبری مهر در بهشت سکینه کرج آرام گرفت / ۲۷
اخبار موسیقی / ۲۸
درگذشتگان فصل تابستان / ۳۰
فراخوان چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» منتشر شد / ۳۳

فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران سال دوازدهم - شماره ۴۶ - تابستان ۱۴۰۱

سرمدبیر: حمیدرضا عاطفی

همکاران: اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران

ویراستار: صبا بهداد

مدیر هنری: افشین ضیائیان

گرافیک و صفحه‌آرایی: لیلی اسکندریپور

توضیح: در بین اسامی همکاران شماره قبل فصلنامه نام عطا نویدی از قلم افتاده بود که بدینوسیله اصلاح می‌شود.

توزیع: سیدچواد موسوی‌زاده

خانه موسیقی شماره ۱: خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمالزاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱

خانه موسیقی شماره ۲: میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نبش بوعلی سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴

www.iranhmusic.ir

* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مبنی بر موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



* حمیدرضا عاطفی

تلخی‌های مکرر

گرفت و امیدواریم دیگر کانون‌ها نیز دست به کار شده و به چنین فعالیت‌هایی بپردازند تا در نهایت خانه موسیقی را در راه اهداف خود یک گام به جلو ببرند.

از دیگر خوشدلی‌های امسال برگزاری فستیوال موسیقی و گزینش بهترین آلبوم در ژانرهای مختلف و بهترین کتاب در سه بخش آموزش، تالیف و ترجمه است.

گفتنی است که پس از چند سال تعطیلی و توقف جشن‌های خانه موسیقی و برگزار نشدن دوسالانه‌های کتاب و آلبوم، امیدواریم با استقبال خوبی که از این بخش‌ها شده امسال جشن خوب و پربراری را در دی ماه پیش رو داشته باشیم.

از دیگر برنامه‌های خوب و بسیار تاثیرگذار امسال، برگزاری چهارمین نمایشگاه سازخانه است که در این دوره با افزودن چند بخش و همچنین با فرم و محتوای ارتقا یافته‌تری نسبت به دوره‌های پیشین قرار است در اواخر آبان ماه در خانه هنرمندان برگزار شود.

انتظار می‌رود با مشارکت گسترده همه‌ی اعضا و هنرمندان دلسوز خانه موسیقی در تمامی زمینه‌هایی که خیر و صلاح جامعه فرهنگی در آن نهفته است با شوق و اشتیاق به فعالیت بپردازند تا اهالی فرهنگ و نهادهای فرهنگی و در کل جامعه فرهنگی ایران به جایگاهی که شایستگی آن را دارند دست پیدا کنند.

* سردبیر

تلخی پشت تلخی ... دریغ و افسوس و حسرت... مدتهاست اهل فرهنگ تشنه‌ی شنیدن یک خبر خوب و فرحبخش‌اند اما جز حرمان نصیبی نمی‌برند! تابستان تلخی داشتیم... درگذشت چند استاد برجسته و ماندگار...

ابراهیم قنبری مهر، هوشنگ ابتهاج، امیراشرف آریان‌پور، منوچهر انصاری و..

هنرمندانی که بی‌بدیل بودند و آثارشان همواره جاودان خواهد ماند. این تلخی در اواخر تابستان به تلخی و بحران دیگر وصل شد که این دیگری کام یک ملت را تلخ کرد و آن هم دستگیری و درگذشت دختری بی‌گناه از دیار کردستان بود که ماجرای آن مفصلاً در رسانه‌ها آمده است.

اما خوشبختانه در میان این اخبار غمناک تنها همدلی و گردهمایی و همراهی است که نقطه امید برای ادامه مسیر و معنابخشی به زندگی است و نشست‌های ماهانه یکی از بهانه‌های خوب برای رسیدن به این همدلی است و خوشبختانه سه ماهه تابستان سه نشست خوب و پربر بار برگزار شد.

همچنین به همت کانون پژوهشگران در تابستان سپری شده دو نشست پژوهشی با حضور پژوهشگران و کارشناسان زبده در خانه هنرمندان برگزار شد و کانون صدابرداران نیز به همت خود و به منظور بررسی مشکلات و راهکارهای برون‌رفت از آن نشستی در محل خانه موسیقی برگزار کردند؛ این تحرکات و فعالیت‌های مشهود در کانون‌های مختلف را باید به فال نیک

گزارش نشست‌های تابستانه خانه موسیقی گردهمایی‌های پربرکت



نوربخش در ادامه گفت: اما امسال تصمیم داریم جشن خانه موسیقی را بعد از سه سال وقفه برگزار کنیم.

در جشن‌های گذشته دوسالانه کتاب و آلبوم موسیقی را داشتیم و از آنجایی که تمام این موارد در این دو سال متوقف شد امیدواریم امسال تمام این بخش‌ها برگزار شود.

مدیرعامل خانه موسیقی در مورد موضوع صندوق اعتباری هنر گفت: در حال حاضر بیش از هشتاد هزار نفر در شاخه‌های مختلف مانند سینما، تئاتر، تجسمی و... عضو هستند. این صندوق در حقیقت صندوق اعتباری هنرمندان، نویسندگان و روزنامه نگاران (هنر) است.

اساس عضویت در صندوق اعتباری هنر بر اساس معرفی صنوف یا معرفی اداره‌های ارشاد استان‌های مختلف است. در این مدت هیچ‌گونه راستی‌آزمایی صورت نگرفته و متأسفانه افرادی هم عضو صندوق شده‌اند که اهل فرهنگ و هنر نیستند یا اگر باشند فعال این حوزه نیستند.

در حال حاضر صندوق اعتباری هنر اعلام کرده ما حامی افرادی هستیم که حامی هنری ندارند و از افرادی که در حوزه‌های فرهنگی فعال نیستند حمایتی نمی‌کنیم.

در نتیجه در شرایط فعلی صندوق باید برای بیمه اعضا حدود ۴۰۰ هزار تومان واریز کند و در خانه موسیقی هم باید این پالایش اتفاق بیفتد. البته این به معنی اثبات هنرمندان پیشکسوت نیست اما ما حدود هفت هزار هنرمند موسیقی را به صورت کامل نمی‌شناسیم. پس از این عزیزان درخواست داریم به لحاظ حرفه‌ای خود را به خانه موسیقی معرفی کنند و ما را در جریان کار هنری خود قرار دهند که امیدوارم این باعث رنجش اهالی موسیقی و

جشن خانه موسیقی بعد از سه سال وقفه برگزار می‌شود

نشست ماهیانه هنرمندان و اعضای خانه موسیقی با حضور مدیرعامل خانه موسیقی، اعضا هیئت مدیره و تعدادی از اهالی موسیقی عصر روز یکشنبه دوم مرداد ماه در محل سالن اجتماعات خانه موسیقی ایران برگزار شد و اعضا هیئت مدیره و هنرمندان دیدگاه‌های خود را بابت مسائل پیرامونی مطرح کردند.

شروع برنامه با اجرای هاله وزیری همراه بود که ضمن خوشامدگویی به مهمانان، از هنرمندان فقید و درگذشته همچون استاد محمدرضا شجریان، عثمان محمد پرست، اصغر حسینی، سیاوش نوریپور، مرتضی نی داوود (دوم مرداد سالگرد درگذشت این استاد فقید بود) یاد کردند.

و همچنین شروع برنامه با تبریک به امیر عباس ستایشگر به مناسبت حضور در سمت مدیر عاملی انجمن موسیقی همراه بود. در ادامه حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی ایران ضمن ابراز خوشحالی از برپایی این جلسه بعد از دوسال کرونایی گفت:

در این بیش از دو سال که با کرونا همنشین شده ایم، نشست نداشتیم اما مسائل صنفی حتی یک روز هم تعطیل نشد و خانه موسیقی در اوج محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها حتی یک روز هم بدون کار نبود. زیرا معتقدیم اینجا تنها محل و پناه اهالی موسیقی است هنرمندان باید به خانه خود مراجعه کنند و اگر اینجا تعطیل باشد به کجا پناه برند.

سعی کردیم کمک‌های ناچیزی در این دوران داشته باشیم که در اصل تخفیف دهنده آمال هنرمندان بوده است.



هنر نباشد.

حمیدرضا نوربخش در ادامه در مورد انتخابات خانه موسیقی گفت: انتخابات خوبی برگزار شد و هیئت مدیره محترم و شناخته شده‌ای گرد هم جمع شده‌اند و با انرژی آماده‌اند ۴ سال پیش رو را به خوبی برگزار کنند.

امیدوارم این دوره به خوبی و با اتفاقاتی درخشان سپری شود. هرچند نگرانی‌های همیشگی ما پابرجاست.

به عنوان مثال در این مدت که کرونا کم رنگ تر شده بود در کنسرت‌های برگزار شده نشانی از موسیقی مقامی و کلاسیک و سنتی نبود و این که تنها یک گونه از موسیقی مورد توجه قرار می‌گیرد و بقیه گونه‌های موسیقی به حاشیه می‌روند جای نگرانی دارد.

در ادامه این نشست زرتشت حیدری نوجوان ۱۶ ساله در جمع اهالی موسیقی با نوازندگی تار هنرنمایی کرد.

سپس به منظور رونمایی از آلبوم «هفت خوان» به آهنگسازی مهرداد اکبری، اعضای گروه تولید کننده این آلبوم برای اجرای قطعاتی از آلبوم هفتخوان آماده شدند.

در این گروه مهرداد اکبری نوازنده تنبور، فرشاد رستمی، کمانچه، علیرضا صنعتی، عود و میلاد داور دف قطعاتی در زمینه موسیقی مقامی اجرا کردند.

پایان بخش برنامه نوازندگی ویولن غزاله نیک پی بود که دوقطعه از جمله اثر ماندگار موسیقی فیلم فهرست شنیدلر را نواخت.

دومین نشست تابستانه

خانه موسیقی آماده شنیدن نقدهای سازنده است

نشست ماهیانه مرداد ماه خانه موسیقی ایران با حضور هنرمندان و اعضای خانه موسیقی تحت تاثیر ایام محرم و عاشورا برگزار شد.

نشست ماهیانه اعضا خانه موسیقی ایران عصر روز یکشنبه ۳۰ مرداد ماه در سالن اجتماعات خانه موسیقی ایران و با حضور اعضا خانه موسیقی، مدیر عامل خانه موسیقی و تعدادی از اعضا

هیئت مدیره برپا شد.

در این برنامه دکتر حمیدرضا اردلان از اعضا هیئت مدیره خانه موسیقی گفت: نکته مهم نشست‌های ماهیانه این است که اگر کسی نقدی دارد یا حرفی دارد می‌تواند در این جلسات مطرح کند و با ما در میان بگذارد. تحول به همین معناست. ما کنار هم هستیم تا به هم کمک کنیم. خانه موسیقی آمادگی شنیدن حرف‌ها و نقدهایی را دارد که منجر به تحول و پیشرفت شود.

در ادامه دکتر حجت اسدیان، واژه شناس و استاد فلسفه هنر که به عنوان سخنران در این مراسم حضور داشتند در مورد واژه موسیقی و آنالیز این واژه صحبت کردند.

دکتر اسدیان در این برنامه گفت: در حال حاضر ما در شرایط جهانی هستیم که باید به اصل خود بازگردیم و ریشه‌های خود را شناسایی کنیم. واژه موسیقی حدود سه هزار سال است که مورد استفاده قرار می‌گیرد. در یونان این واژه به نام «موزا» (mousa) نامیده می‌شود که ریشه کلمه موزیک و موسیقی است.

در جهان امروز ما در آخرین مرحله‌ای هستیم که کلیه صور هنر و تفکر به انتها رسیده است. نشانه آن هم این است که در هر حوزه‌ای با واژه پست مواجه می‌شوی مثل پست مدرن و...

آنچه مشخص است این است که تفکری از حدود سه یا چهار هزار سال پیش شروع شد و امروز این تفکر در تمام صور خویش گسترش پیدا کرد و حالا این تفکر به پایان خود رسیده است و این یعنی کامل شده.

انسان وقتی به تمامیت می‌رسد کامل می‌شود و به مرگ می‌رسد.

ما امروزه در آخرین مرحله این فرهنگ‌ها هستیم؛ مثلاً فرهنگ یونان از دوره‌های شروع شد و به انتها رسید. فرهنگ قرون وسطی شروع شد، به رنسانس رسید و بعد به پایان رسید

فرهنگ قرون وسطی دیگر پاسخگوی جهان جدید نیست؛ مثلاً نقاشی در دنیای جدید به آستره می‌رسد و بعد در دهه ۶۰ و ۷۰ به بوم سفید می‌رسد یعنی هر آنچه باید انجام می‌شده



این است که آن سخن قلبی باشد چون سخن قلبی در ساخت علم حضوری تحقق پیدا می کند
این کلمه «موزا» در حقیقت بحث عقلی نیست و بحث قلبی است و تذکر به حیات انسانی بشر است و این بار معنایی این کلمه است.

موسیقی دان اصیل هم کسی است که مردم را به سمت زندگی اصیل راهنمایی کند.

پس ریشه واژه موسیقی تذکر برای زندگی اصیل است. تذکر یک فرد هنرمند برای سایر افراد که زندگی اصیلی داشته باشند. و این وظیفه یک موسیقی دان است.

موسیقی دانی که به قول حافظ باید عالمی تازه را از نو بسازد. در بخش دیگری از این برنامه از درگذشتگان موسیقی همچون زنده یاد ابراهیم قنبری مهر، دکتر امیر اشرف آریان پور، منوچهر انصاری و بابک برزویه هنرمند عکاس یاد شد و برای استاد امین الله رشیدی که در بستر بیماری است آرزوی صحت و سلامت شد.

همچنین از جمله برنامه‌های دیگر این نشست می توان به اجرای مهدی بهبودی و امیر طاهری از جمله متخصصان و پژوهشگران صدا اشاره کرد که قطعه ی به نام «موسیقی به نام طبل بزرگ موج سینوسی و آونگ ها» را اجرا کردند.

رضا دیوسالار و محسن محمدزاده هم اجرای موسیقی محلی در این برنامه داشتند.

در پایان این نشست فیلم مستند «اربعین» به کارگردانی ناصر تقوایی و با صدای جهانبخش کردی زاده معروف به بخشو برای حاضرین نمایش داده شد.

اتفاق افتاده و نتیجه به بوم سفید ختم شده است.

ما در روزگاری زیست می کنیم و در جهانی هستیم که باید به اصل باز گردیم و اگر این اصل ریشه منطقی دارد باید با آن منطقی برخورد کرد.

در جهان امروز ما می گوئیم موسیقی این کلمه ۳۰۰۰ سال پیش در ایلپاد استفاده شده و ریشه آن کلمه «موزا» است.

اما سوال اینجاست که «موزا» چه معنایی را حمل می کند؟ موزا وقتی وارد زبان عربی شد به شکل موسیقی استخراج شد و ما ۳۰۰۰ سال است می گوئیم موسیقی...

مثلا ما در زبان فارسی می گوئیم دختر اما این کلمه با «daughter» هم ریشه است.

در مورد کلمات بنیادی هم این مشکل است مثلا کلمه «art» چه ارتباطی با هنر دارد؟

این تفکر، تفکر مفهومی نام دارد و آخرین مرحله تفکر بشر است. دایره‌ای است که دور خودش می چرخد و برای هر واژه مترادفی پیدا می کند. البته تفکر در جهان امروز به سمت بی معنایی و پوچ گرایی تمایل پیدا کرده است که در میان نسل امروز بسیار دیده می شود.

اسناد تاریخی می گوید «موزا» سه هزار سال پیش ساخته شده ولی بار معنایی آن برای ما روشن نیست.

کلمه «موزا» در زبان یونانی معنایی که حمل می کند به مفهوم ذکر یا تذکر است. یعنی الهه‌ای که به ما تذکر می دهد.

اما چه چیزی مورد تذکر است؟

این تذکر به بشر آن دوره است که شما نباید در فلاکت برده داری زندگی کنید. حال این تذکر چه طور باید موثر باشد؟ راهش

سومین نشست تابستانه

زمان آن رسیده که آواز خوانی زنان را مطالبه کنیم



سومین نشست تابستانه خانه موسیقی ایران روز چهارشنبه ۳۰ شهریورماه با حضور اعضا شورای عالی خانه موسیقی، اعضا هیئت مدیره و جمعی از هنرمندان برگزار شد و فردین خلعتبری در این مراسم از بزرگان خانه موسیقی خواست آواز خوانی رسمی زنان را به جد مطالبه کنند.

این نشست تحت تاثیر تحولات روز جامعه و در میان حزن و اندوه هنرمندان برای جان باختن دختر معصوم کردستان، «مهسا امینی» برپا شد و اعضا هیئت مدیره خانه موسیقی و هنرمندان نسبت به این اتفاق واکنش نشان دادند.

خلق می کند که در مورد نسبت آن با سرزمین نینوا همیشه بحث بوده اما فارغ از این بحث، ساخت این اثر محصول یک دوره تاریخی است که بر آهنگساز اثر گذاشته است. در نتیجه خانه موسیقی می تواند در این زمینه پیش قدم باشد، گفت و گو کند و به نتیجه برسد که تحولات تاریخی چه تاثیری بر موسیقی دارند. این آهنگساز ادامه داد: این روزها زنان در مسئله حجاب واکنش جدی نشان داده اند و اهل هنر و اهل فلسفه عموماً از تحولات اجتماعی عقب هستند و این همیشه بوده و هست. اما آنچه به ما اهالی موسیقی مربوط می شود و برای ما است کدام است؟ پاسخ این است: صدای زن وظیفه خانه موسیقی در این ایام مطالبه جدی صدای زنان در عرصه موسیقی است.

خانم ها آواز می خوانند و عموماً بهتر از مردان هم می خوانند پس باید با تمهید درستی خواستار حضور جدی زنان در عرصه موسیقی بود و این به عقیده من وظیفه خانه موسیقی است. در حال حاضر فضای مجازی بازتاب دهنده نظرات شخصی هریک از ماست و این درخواست از این طریق می تواند جدی بیان شود و به گوش مسئولین برسد.

داریوش پیرنیاکان سخنگوی خانه موسیقی ایران در ادامه و در واکنش به صحبت های فردین خلعتبری گفت: تمام حرف های فردین خلعتبری درست و به حق است اما خانه موسیقی در این سالها منفعل نبوده است.

ما در هر اتفاقی با تامل واکنش نشان داده ایم و کسی مثل من و دیگر همکاران در خانه موسیقی سالهاست پای عقیده اش ایستاده و بارها و بارها مورد بازخواست هم قرار گرفته است. اما ما هم مانند فردین خلعتبری خواستار مطالبه حق رسمی بانوان در عرصه موسیقی هستیم. در انتهای این مراسم تعدادی از اعضای هنرستان موسیقی آثاری از «موتزارتو» و «ویوالدی» را برای مخاطبان اجرا کردند. در این اجرا که با استقبال مخاطبان مواجه شد علی علیزاده، مهید عرفانی، عرشیا دژانکار و میلاد طاهرخانی ویولن، محمد حسن صادقی فرد، مبین خندان، ویولا، هستی شاپوری ویولنسل و ایلیا وهاب زاده کنترباس نواختند.

در ابتدای این نشست حمیدرضا نوریخش، مدیر عامل خانه موسیقی ضمن خوشامد گویی به اعضا خانه موسیقی گفت:

تسلیم می گویم برای درگذشت بانوی ارجمند «مهسا امینی» که دل همه ما برای این فاجعه دردناک به درد آمد و ملتی داغدار شد و سوتدبیرها فاجعه آفرید. امیدواریم با پیگیری ها نتیجه قانع کننده ای برای مردم وجود داشته باشد تا این دردها کمی التیام یابد هر چند قطعاً برای خانواده این دختر این التیام به زودی ها اتفاق نمی افتد. نوریخش در ادامه با اشاره به حضور اعضا شورای عالی خانه موسیقی گفت: امروز همراه هنرمندان عزیز می هستیم که پشتوانه موسیقی ما هستند و از خداوند آرزو دارم عمرشان به درازای آفتاب بلند باشد و موسیقی ایران از سایه مهرانگیز این عزیزان برخوردار باشد. امیدوارم بیش از پیش در کنار هم باشیم و شاهد روزهای خوب برای خودمان و موسیقی ایران باشیم که حال خوشی ندارد.

در ادامه این مراسم جمشید عزیزخانی، هنرمند کرد زبان و فرنود الهامی نوازنده تنبور به یاد دختر کردستان، به اجرای برنامه پرداختند. فردین خلعتبری، آهنگساز از جمله مهمانان این نشست ضمن عرض تسلیت به خانواده مهسا امینی گفت:

مهسا امینی نمونه ای کوچک بود که تبدیل به بحرانی بزرگ برای جامعه و دولتمردان شد اما معتقدم خانه موسیقی با مردم و تحولات اجتماعی سرزمین ما رشد نکرده است.

تحولات اجتماعی ما ارتباط تنگاتنگی با موسیقی ندارد. البته مقوله شعر و ادبیات از این دسته بندی جداست ولی سالهاست تحول ساختاری در موسیقی نداشته ایم.

به عنوان مثال بعد از انقلاب اکتبر روسیه تغییرات در موسیقی محدود می شود. اما در سالهای بعد گرایش شدیدی به موسیقی مدرن پدیدار می شود.

خلعتبری در ادامه گفت: بحث من این است که تحول اجتماعی در سرزمین ما وقتی اتفاق می افتد عموماً ما به ادبیات پناه می بریم در صورتی که ساختار موسیقی می تواند متفاوت عمل کند و بدون شعار با اجتماع همراه شود.

مثلاً در موسیقی سازی حسین علیزاده اثری به نام «نینوا»

گفت‌و‌گو با نزهت امیری؛ مدرس، پژوهشگر و رهبر ارکستر

آموزش باید صفر تا صدی باشد



درآمد:

نزهت امیری، مدرس و پژوهشگر موسیقی از معدود زنان رهبر ارکستر ایرانی است که با عشق و علاقه‌ی زاید الوصفی در این حوزه مشغول به کار است. امیری در حوزه‌های مختلف موسیقی فعالیت داشته و تأثیرات بسیار مهم و قابل تامل داشته است. یکی از زمینه‌های مهم فعالیت امیری آموزش و بویژه آموزش موسیقی به کودکان است... وی در این بخش صاحب تألیفات و آثار ارزشمندی است. با توجه به جایگاه و اهمیت آموزش در موسیقی ایران با وی گفتگویی انجام داده ایم که در ادامه می‌خوانید:

به‌جای ساز پیشنهادی، ساز دیگری را معرفی کرد؛ در بخش ترانه می‌توان ترانه‌ی مناسب‌تری در نظر گرفت و ... این‌ها آسیبی به نگاه سیستماتیک متد نمی‌زند؛ چه بسا به دلپذیر شدن و عمیق تر شدن درس، یاری می‌رساند.

نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای پیش‌رفته‌ی دنیا، از یکی از هشت متد شناخته‌شده‌ی زیر استفاده می‌کنند:

۱. متد دالکروز (امیل ژاک دالکروز)

۲. متد آرف (کارل آرف)

۳. متد (ژلاتان کدای)

۴. متد ویلمز (ادگار ویلمز)

۵. متد مونته‌سوری

۶. متد سوزوکی

۷. متد ویل (مانهاتان ویل)

۸. متد مارتینو

در واقع هر یک از این متدها، در شرایط خاص موزیسین و در هماهنگی با شرایط فرهنگی هنری و زیستی او، یعنی در هماهنگی با ابزارش، سازش، فرهنگش، توانمندی‌اش و با در نظر گرفتن داشته‌ها و نداشته‌هایش... طراحی شده است. وجود شباهت‌های فرهنگی سبب شده است، در برخی کشورها، یک یا چند متد هم‌زمان استفاده شوند.

زمانی که در کشور ما، متد آرف راه پیدا می‌کند، موزیسین‌های برجسته‌ای، دوره‌ی آموزشی آرف را می‌آموزند. سازهای ارکستر آرف در مراکز موسیقی کودک در اختیار کودکان و مربیان قرار می‌گیرد. جامعه، تشنه‌ی یادگیری‌ست. همه‌ی این اتفاقات در شرایطی است که موسیقی کلاسیک ایرانی (که در آن زمان موسیقی سنتی نامیده می‌شد)، راه مستقل و کهنه‌ی خود را می‌پیماید و هیچ گزینه‌ای برای حل معضل موسیقی کودک امروزی ندارد. پس از ۱۰ سال وقفه در آموزش موسیقی، به پیشنهاد پیش‌کسوتان موسیقی، در سال ۱۳۶۷

اگر بخواهیم یک بحث کلی در ارتباط با موسیقی و نحوه‌ی آموزش شروع کنیم، از نظر آموزشی، مهم‌ترین معضل و مشکل چیست؟ نداشتن متد صحیح آموزشی است؟ کمبود مدرس متخصص یا آموزگار خوب؟ یا ...

نبودن متدی که مربی، بدون دغدغه، از روی آن آموزش بدهد. این دغدغه‌ی اصلی من بود. مطمئناً، در آغاز باید یک متد خوب و کاربردی وجود داشته باشد و در مرحله‌ی بعد، باید افرادی را برای آموزش آن متد به کودک، تربیت کنیم. یعنی «موزیسین‌های داوطلب»، طی یک دوره‌ی کارورزی تخصصی، برای انتقال مبانی علمی موسیقی به کودک، آماده شوند. وقتی که یک فرد با مدرک فوق‌لیسانس به استخدام آموزش و پرورش درمی‌آید تا به کودک شش‌ساله در کلاس اول دبستان، الفبا را بیاموزد، دوره‌های پیش‌بینی‌شده‌ای را می‌گذراند. هر چند ممکن است ده‌ها کتاب فلسفی هم خوانده و بسیار باسواد باشد.

چرا اول الف و بعد ب آموزش داده می‌شود؟ چرا بعد از الف، عین و غین نمی‌آیند؟... در مسیر آموزش الفبا، باید ساعتی را به ریاضیات، علوم، هنر و... اختصاص داد. کودک باید به موازات این آموزش‌ها، فعالیت بدنی و حرکتی داشته باشد. کتاب اول دبستانی را که تا همین امروز در مدارس سراسر کشورمان تدریس می‌شود، جمعی از ۵-۶ دانشمند معتمد ایرانی، با نگاه صحیح متدی که به آینده، نگاه‌شده‌اند.

«متد» یعنی فکر کردن به صفر تا صد یک جریان آموزشی. از تأمین کتاب و لوازم آموزشی گرفته تا ابزار لازم، فضای آموزشی، مدرس دوره‌دیده، برنامه‌ریزی آموزشی، طرح درس‌ها، زمان‌بندی درس، طراحی کنسرت‌های فصلی (مانند امتحانات دوره‌ای در مدارس) و ... وقتی که چنین متد جامعی موجود باشد، هر مدرسی می‌تواند با بهره‌گیری از خلاقیت‌های شخصی، تغییرات موضعی مناسبی را با در نظر گرفتن شرایط ویژه‌ی کودک، جامعه، کلاس و ... پدید آورد. برای مثال، در مبحث سازشناسی، می‌توان

شد که قطعات فولکور را آرام آرام به رپرتوار آموزشی ام بیفزاییم. اینک مشکل جدیدی سر بر می‌آورد. کودک با خود موسیقی ارتباط عمیق و لذت‌بخشی برقرار می‌کند ولی مفهوم اشعار، کودکانه یا قابل درک نبودند (چون ترانه‌ها به زبان محلی و مناسب بزرگسالان بودند). بخش بزرگی از تأثیر «ترانه»، از راه درک مفهوم شعر به شنونده و مخاطب منتقل می‌شود. ما کم‌بود شعر داشتیم. کم‌بود رپرتوار آموزشی داشتیم. کم‌بود طرح درس یا به عبارتی متد داشتیم. کم‌بود ساز مناسب کودک ایرانی داشتیم. کم‌بود راهنمای آگاه داشتیم و ... من ضرورتی بر استفاده از فاصله‌ی سوم کوچک (نت‌های سل و می) در شروع نت‌خوانی نمی‌دیدم، ولی برای استفاده از فواصل دیگر و به‌منظور معرفی موسیقی کلاسیک کشورم هم، منبع موقتی در اختیار نداشتم. هیچ‌یک از قطعات فولکور انتخابی‌مان، اتود و زیرساخت و شعر مناسب کودک نداشت و آماده‌سازی این قطعات، مسؤولیتی دیگر بر دوش‌مان گذاشته بود.

انگار به فضایی پرتاب شده بودم که در آن چاره‌ای جز کپی‌کارهای بزرگان وجود نداشت. منابع‌مان نزدیک به صفر بود و کودک تشنه‌ی موسیقی، منتظر! از همان اول فهمیدم که این کپی‌کاری‌های اجباری و ناخواسته، حتی در مرحله‌ی اوج‌شان، چیزی برای کودک ایرانی ندارند و نقشی موقت دارند.

ارف را می‌فرمایید، درست‌ه؟

پاسخ: بله.

متدهای دیگر را امتحان کردید؟

پاسخ: بله. من هم‌زمان با تدریس کودک، دانشجوی موسیقی دانشکده‌ی هنرهای زیبا بودم. کار تحقیقاتی می‌کردم. با اساتیدمان، بر سر فواصل موسیقی کشورمان ساعت‌ها بحث و گفت‌و‌گو می‌کردیم.

متد کدای از جهاتی به موسیقی ما نزدیک‌تر بود. کدای به آواز اهمیت می‌داد و بر استفاده از فولکور تأکید داشت. نقش آواز در موسیقی ما بر کسی پوشیده نیست.

بهره‌گیری بسته‌گریخته، و گل‌چینی از آن چه که به‌صورت شفاهی - به‌درستی یا نادرستی - "ارف" نامیده می‌شد، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موسیقی فولکور - با استناد به متد «کدای» - جانی تازه به کالبد موسیقی نوپای کودک بعد از انقلاب می‌دمید. شنیدن موسیقی فولکور، انقلابی در درون کودک ایجاد می‌کرد. اینک می‌توانستیم درک عمیق کودک از موسیقی را، لمس کنیم. مشخص بود که همین راه باید دنبال شود.

موسیقی هنر شنیداری است و از طریق شنیدن بر انسان اثر می‌گذارد. رفع کم‌بود منابع تأثیرگذار آموزشی، دغدغه‌ای برای من شده بود و نمی‌خواستم کاری را که در آن شک دارم ادامه دهم. با تحقیقاتی که در دانشگاه زیر نظر استاد خسرو مولانا داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که کوک صفی‌الدینی، مناسب‌ترین کوک برای شروع کارمان خواهد بود؛ چراکه نقش ملودیک موسیقی ایرانی بسیار پررنگ بود. از طرف دیگر، هنوز پایه‌های علمی هارمونی موسیقی ایرانی، موضوع گرم بحث و مشاجره‌ی اساتیدمان بود. از این‌رو پیشنهاد دادیم که یک مجموعه‌ی کامل ارکستر ارف، با کوک پیشنهادی (صفی‌الدینی) ساخته شود تا دانشجویان علاقه‌مند،

فعالیت آموزش موسیقی کودک، مجدداً از سر گرفته می‌شود.

این وظیفه‌ی ما بود که با پیروی از نظر استادان متعهدمان، رسالت‌مان را ایفا کنیم. استادانی که دانش و تعهد را به ما آموخته بودند و ما خود را موظف به اجرای رهنمودهایشان می‌دانستیم. قرار بر این شد که آموزش موسیقی به کودکان را آغاز کنیم. یک جزوه‌ی ۳-۴ صفحه‌ای، ۳-۴ ترانه‌ی کودک و تعداد محدودی ساز در اختیارمان بود. راه بسیار دشواری در پیش داشتیم. با استفاده از همین دانسته‌ها، روشی را که پیش از انقلاب کار شده بود در پیش گرفتیم. با آزمون و خطا و کپی طرح درس‌های قدیمی، اولین سری کودک‌انمان، دوره‌های آموزشی‌شان را به پایان رساندند. کم‌بودها را نمی‌شد نادیده گرفت.

در همان اولین دوره، به اهمیت و ضرورت تأمین نیازهای کلاس‌ها واقف شدم. تقریباً هیچ منبعی در هیچ زمینه‌ای اعم از کتاب، نت، منابع پیشنهادی موسیقی آموزشی برای اجرا یا شنیدن، طرح درس و ... نداشتم. با استفاده از شش مجلد شول‌ورک‌های کارل ارف، موقتاً مشکل‌مان را رفع کردیم. از همان اولین قدم‌ها احساس می‌کردم که کودک، علی‌رغم زحمتی که می‌کشیم، با موسیقی ارتباط برقرار نمی‌کند. شول‌ورک منبع معتبری بود که نیاز علمی‌مان را رفع می‌کرد ولی زبان احساس‌ساز برای کودک بیگانه بود. دو قطعه به ما پیشنهاد شده بود: «یه مرغ سبز زیبا» - با شعر آقای منوچهر آتشی - و «کالسکه» - با آهنگ‌سازی استاد حسین علیزاده. از کجا باید شروع می‌کردیم؟ مگر نه این که قبل از آموزش، باید مبانی کار می‌شد؛ به عبارتی، اول باید الفبا را کار می‌کردیم، بعد به سراغ کلمه و جمله و پاراگراف و غیره می‌رفتیم. ولی چه‌گونه؟ با کدام طرح درس؟

چه متدی بود که کار می‌کردید؟

ما بنیانگذاران موسیقی کودک پس از انقلاب، با استفاده از نقل‌قول‌های کسانی که خودشان روزی شاگرد کلاس‌های ارف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بودند، با استفاده از جزوه‌ی سه‌صفحه‌ای‌مان، کارمان را با نام «کلاس‌های ارف»^(۱) شروع کردیم!

در جست‌وجوی راه، مسیر کاری‌ام از دیگر همکارانم فاصله می‌گرفت. با محدودیت شدید رپرتوار مواجه بودم. تعدادی از تمرین‌های شول‌ورک کارل ارف^(۲) را اجرا کردم.

در پایان دوره - که سراسر آموزش با سازهای پرکاشین ریتیمیک و ملودیک بود - فلوت ریکورد^(۳) را آموزش می‌دادیم. نواختن ساز فلوت، مرحله‌ی دشواری بود که برای تکمیل دانسته‌های کودک لازم به‌نظر می‌رسید.

متد ارف، برای کودک اروپایی متدی کامل و جامع بود ولی کودک ما ارتباطی با آن برقرار نمی‌کرد. موسیقی نامأنوس و اشعار نازیبا، مانعی بر سر راه کودک بود. سل، می و لا، سه فاصله‌ی بنیادین آموزش ارف است. در سال‌های اول، بدون هیچ‌پرسی، این فواصل را به‌کار می‌بردیم. همواره جای چیزی ناشناخته خالی بود که برای ما مریبان تازه‌کار، تشخیص آن ناممکن بود...

در ادامه‌ی جست‌وجوها و مطالعاتم، با زولتان کدای و تأکید او بر آواز و سلفژ و بهره‌گیری از موسیقی فولکور، آشنا شدم. این امر سبب

یک مجموعه‌ی ۱۰ مجلدی با نام «صدا‌های اطراف ما» طراحی کرده‌ام. این مجموعه به وسیله‌ی والدین، در خانه، برای کودک خوانده می‌شوند. در یک پکیج دیگر، برای کودک ۵ تا ۴ سال، در مهد کودک، یک دوره‌ی آشنایی با موسیقی طراحی کرده‌ام که به وسیله‌ی مربی غیرموزیسین مهدکودک کار می‌شود. «متد جامع آموزش موسیقی به کودک»، شامل ۵ مجلد آموزش مستقیم موسیقی به کودک ۴ تا ۹ سال است. (این مصاحبه پیرامون همین کتاب‌هاست). کتاب ترانه‌ها مجموعه‌ی بعدی است که همان گونه که از نام آن پیداست، کتاب مرجعی از قریب ۸۰ ترانه است. مجموعه‌ی دیگر کتاب‌های من، پارتیتور همه‌ی ترانه‌هاست که برای ارکستر ارف نگارش و تنظیم شده‌اند. کتاب‌های دیگری در دست اقدام دارم که متأسفانه نبود حامی، آن‌ها را در زندان لپ‌تاپ، در کنار دیگر کارهای تکمیل شده و نشده‌ی من قرار دارند...

مراکز معتبری مثل خانه‌ی موسیقی، باید این کتاب‌ها را چاپ و به کتابخانه‌ها ارسال کنند. کتاب‌های تخصصی در همه‌جای دنیا به وسیله‌ی مراکز فرهنگی چاپ می‌شوند، چرا که علی‌رغم ارزش بالایشان، تیراژ بالایی ندارند.

الان سی‌دی‌اش هم بیرون آمده؟

خیر. به دلیل هزینه‌های بالا، تا به امروز میسر نشده است. دلیل

موسیقی هنر شنیداری است
و از طریق شنیدن بر انسان
اثر می‌گذارد. رفع کم‌بود
منابع تأثیرگذار آموزشی،
دغدغه‌ای برای من شده بود
و نمی‌خواستم کاری را که در
آن شک دارم ادامه دهم

عدم ارائه‌ی کتاب‌هایم در تمام این سال‌ها، نادیده‌انگاشته شدن من، از سوی مراکز مسؤوّل فرهنگی بوده است.

من، به پیروی از استاد دهلوی بزرگ، پارتیتور ترانه‌های کودک را برای ارکستر ارف، به همراه یک ساز میهمان، نگارش کرده‌ام. (بالایان، سنتور، کمانچه، آکاردئون و ... بر اساس آن که موسیقی متعلق به کدام قومیت است). کودکان من بارها این قطعات را کنسرت داده‌اند. ثمره‌ی آن اجراها، این پارتیتورهاست. یعنی بارها آزمایش شده‌اند و بسیار خوب صدا می‌دهند.

تصویرگری این ۵ مجلد (متد جامع آموزش موسیقی به کودک)، بیش از سه‌سال طول کشید. شاعر همه‌ی کارها، همسر من هستند. در ارتباط با تلفیق شعر و موسیقی، ما ساعت‌ها بر سر این که کلمه‌ای تبدیل به کلمه‌ی مناسب‌تری شود، مثلاً اسکنت‌اش درست‌تر شود یا برای گروه سنی هدف، قابل درک‌تر شود، گفت‌و‌گو داشتیم. شما بر روی هر تصویر یا نوشته‌ی پارامتر موسیقی انگشت بگذارید، خواهید دید که چه پشتوانه‌ی عمیق

آزمون و خطا با آن‌ها را آغاز کنند. (این صحبت‌ها در همین حد باقی ماند و هیچ پروسه‌ای آغاز نشد).

نتیجه‌ی تحقیقات ما این شد که هر استادی کوک خودش را دارد! به دلایل مختلف از جمله این که موسیقی سینه‌به‌سینه به آنان رسیده بود، سازهای‌شان استاندارد نداشت و برخی از سازها کیفیت ساخت خیلی خوبی نداشتند و در نتیجه خود سازها ناکوک به نظر می‌آمدند. همه‌ی این مشکلات با مشکل دیگری جمع می‌شد: این سازها نه تنها مناسب کودک نبودند، بلکه مناسب اجرای تک‌نفره بودند و به درد کودک اجتماعی دهه‌ی ۷۰ نمی‌خوردند. همه‌ی این‌ها باعث سردرگمی‌مان شده بود. کارها سلیقه‌ای پیش می‌رفت. واضح بود که برای کودکی که بخواهد عضوی از ارکستر باشد و به صورت گروهی ساز بزند، هیچ‌کدام از آن فواصل تئوریک بر روی کاغذمانده (نه صفی‌الدینی، نه زلزلی، نه فیثاغورثی) کارساز نبود. تنها، تردید مراه، درباب درستی یا نادرستی راهی که در پیش گرفته بودم بیش‌تر می‌کرد.

علی‌رغم وجود فضای درهم و برهم موسیقی، باید تصمیمی می‌گرفتم که امکان اجرا هم داشته باشد. اطمینان دارم که هر فرد متعهد و دل‌سوز فرهنگ و موسیقی، اگر در جای من قرار می‌گرفت، تصمیمی مشابه من می‌گرفت: ارتقاء سطح دانش و هنر کودک و کمک به آموزش عملی با هرآن‌چه در دسترس است...؛ تا زمانی که فریادرسی بیاید!

از هر استادی نظرخواهی می‌کردم تقریباً به مشاجره می‌انجامید! همگی تمایل داشتند که سیستمی را که خودشان با آن آموزش دیده بودند، به کار بگیرم. برخی موسیقی تک‌صدایی ایرانی با ساز ایرانی را پیشنهاد می‌کردند، برخی موسیقی علمی اروپا را ارجح می‌دانستند و ...

شما چه کردید؟

چاره‌ای نبود. باید انتخاب می‌کردم. ذره‌ذره با اهداف متد ارف، کدای، مونته‌سوری و سوزوکی بیش‌تر آشنا می‌شدم و علی‌رغم باور به این که دستاوردهای هنری این بزرگان، متعلق به همه‌ی بشریت است، متوجه شدم که کودک ایرانی برای رسیدن به قله‌های رفیع موسیقی، نیاز به عبور از راهی دارد که مناسب شرایط زیستی، فرهنگی، سنی و ... و مناسب با زمانه‌اش باشد. این توصیه‌ی همه‌ی این بزرگان هم بود. اما چه‌گونه؟

سازهای ارف را در اختیار داشتیم. از سیستم هارمونی آکوستیک استفاده کردم. بر طبق قانون هارمونیک‌های فرعی، وقتی که سیمی به صدا درمی‌آید، هارمونیک‌هایی را ایجاد می‌کند. (گوش انسان شش هارمونیک اول را می‌شنود). هارمونیک‌های بعدی در هارمونیزه کردن کارها استفاده می‌شوند. تصمیم گرفتم که با پیروی از این قانون، تا زمانی که به قانون برتری نرسیده‌ام، از آن پیروی کنم.

اگر پارتیتورهای کودک تنظیم‌شده‌ی من را ببینید، متوجه حضور این نگاه هارمونیک می‌شوید.

ادامه‌ی همین کتاب‌ها هستند؟

درواقع مکمل این‌ها هستند. ببینید من به جریان موسیقی کودک چند بعدی و فضایی فکر کرده‌ام. برای کودک ۴ تا ۲ سال،

سازها هستند). ممکن است همانند «کدای» تکیه‌ام بر موسیقی فولکلور و فرهنگ کهن میهن‌ام بوده باشد؛ ممکن است مانند «سوزوکی»، بر تمرین‌های مداوم شفاهی تأکید داشته باشم؛ ولی با قاطعیت می‌گویم که علی‌رغم احترام بسیار به همه‌ی این بزرگان، در متد جامع من، از هیچ‌کس پیروی نشده است. اگر متدهای آنان را برای سرزمین مادری‌ام مناسب می‌دیدم، وقتم را در نگارش کارهای دیگری صرف می‌کردم.

یعنی وجه اشتراک شما با متد کارل ارف تنها ساز است؟

بله. وجه اشتراک کارل ارف با من، (نه با متد من)، استفاده از ساختار ارکستر اوست. وجه اشتراک‌ام با تفکر کدای، (نه با متد او)، تأکید بسیار بر زبان، ترانه، آواز، سلفژ، بر بستر فرهنگ خودمان یعنی فولکلورهای ایرانی‌ست. من سعی کرده‌ام برای کودک ایرانی متدی را بنیان بگذارم که کم‌بودی نداشته باشد و متدی پیشرفته و کاربردی باشد. این را وظیفه‌ی خود می‌دانستم. من قدم اول را برداشتم. امیدوارم که نسل‌های بعد، قدم‌های بعدی را بردارند.

خانم امیری برای چه بازه‌ی سنی هست این کتاب؟

کتاب‌ها برای گروه سنی ۹ تا ۴ سال طراحی شده‌اند ولی تا پنجم دبستان هم به خوبی جواب‌گو هستند. تصور اشتباه برخی از خانواده‌ها، آغاز هرچه زودتر ساز تخصصی کودک است. درحالی‌که مهم‌ترین وظیفه‌ی موسیقی کودک، بالا بردن مهارت‌های اوست. کودکانی که این مراحل رشد را با سلامت کامل طی نمی‌کنند، بعدها با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند. به همین دلیل، به همه‌ی پارامترهای صوت در طول چهارصدوسی صفحه پرداخته‌ام.

یعنی نه فقط مهارت‌های موسیقی بلکه...

مهارت خوب شنیدن، خوب دیدن، درست خواندن، پرورش حنجره، پرورش دست‌ها، پرورش ذهن، پرورش هماهنگی میان همه‌ی حواس کودک، بالا بردن سرعت انتقال و تقویت مهارت شناختی کودک؛ تا او بتواند، دست، پا، چشم، گوش و ذهن خود را با هم هماهنگ کند و به یک انسان کامل و مستقل تبدیل شود. افزون بر این‌ها، مهارت سازگاری بیرونی، یعنی توانایی هماهنگی با گروه است. من، در متد جامع، کنسرت‌هایی را طراحی کرده‌ام. کودک، بعد از چندجلسه، کنسرت می‌دهد. مفاد کنسرت را هم نوشته‌ام تا مربی دغدغه‌ی برنامه‌ی کنسرت نداشته باشد.

محتوای کنسرت آموزشی توی این کتاب یا چیزهای جدید می‌تواند داشته باشد؟

بله. هر کنسرت برای اطمینان از ارائه‌ی صحیح مطالب آموزشی تدریس شده در همان سرفصل، طراحی شده است. جالب است بدانید که در همان اولین کنسرت، با اجرای ساده‌ی ضربات، امکان اجرای پلی‌ریتمیک تمرین‌ها هم وجود دارد.

در کنسرت‌ها، بخشی به نام «از گذشته‌ها» طراحی کرده‌ام. در این بخش از کنسرت، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، ترانه‌ای از گذشته را برای کودکان می‌خوانند. این برنامه‌ی ثابت همه‌ی کنسرت‌ها، ارتباط قطع شده با فرهنگ گذشته را بازسازی می‌کند.

خانم امیری شما فرمودید برای ۴ تا ۹ سال این کتاب‌ها تدوین شده‌اند؟ درست است؟

علمی در آن نهفته است؛ به طوری که وقتی کودکی این کتاب‌ها را تمام می‌کند، یک موزیسین کوچولوی کامل است. مبحثی نیست که درباره‌ی آن صحبت نشده باشد یا به آن ارجاع داده نشده باشد. سؤال: ما می‌خواهیم یک جمع‌بندی بکنیم برگردیم سر آموزش. شما متدهای مختلف را کار کرده‌اید یا کودکان، آموزش و خودتان تحقیق کردید، متد ارف و کدای و احیاناً چند متد دیگر را شما زیرورو کرده‌اید و پی برده‌اید که یک باگ‌هایی یک نواقص و کمبودهایی برای کودک ایرانی توی متدها هست و در نتیجه آمدید آن نواقص را مرتفع کردید و رسیدید به متد خاص خودتان. درست گفتیم تا به این‌جا؟

این متد اسمی دارد یا نه؟

اسم متد من «متد جامع آموزش موسیقی کودک» است.

کودک ایرانی؟

بله، این متد برای همه‌ی فارسی‌زبانان مناسب است؛ چون ترانه‌ها به زبان فارسی‌اند. از طرف دیگر چون کتاب کودک است، هر صفحه حداکثر یک خط متن دارد. ترجمه‌ی این کتاب‌ها به همه‌ی زبان‌ها - مثلاً انگلیسی - بسیار ساده است. یکی از چیزهایی که کتاب را بیش‌تر ایرانی می‌کند، سازشناسی‌هاست. در این مجموعه به ترتیب: اول سازهای کودک، بعد سازهای ایرانی و در پایان سازهای

کارل ارف: اگر کسی کارهای من را کپی کند، اصلاً نفهمیده که من چه می‌خواستم. شما باید بروید در فرهنگ خودتان جست‌وجو کنید، توانمندی‌هایش را پیدا کنید، زبانش را استفاده کنید و به سبک موسیقی خودتان وفادار بمانید و اصول خودتان را بنا کنید.

ارکستر سمفونیک آورده شده‌اند. همچنین «تلفیق شعر پارسی و موسیقی» از نکات بی‌نظیر آموزشی در این مجموعه است.

چند درصد می‌شود گفت این متد بهره‌گیری کرده از متد ارف و یا دیگر متدها؟

پیش از هر چیز باید گفت که در قرن ۲۱، هیچ متدی نمی‌تواند به‌طور مطلق و تماماً نو باشد. متدهای موجود هم، اشتراکات بسیاری با هم دارند، بدون آن که قصد کپی از هم داشته باشند. کارل ارف می‌گوید: اگر کسی کارهای من را کپی کند، اصلاً نفهمیده که من چه می‌خواستم. شما باید بروید در فرهنگ خودتان جست‌وجو کنید، توانمندی‌هایش را پیدا کنید، زبانش را استفاده کنید و به سبک موسیقی خودتان وفادار بمانید و اصول خودتان را بنا کنید.

من هم همین کار را کردم. ممکن است سازهای ارکستر، «سازهای ارف» باشند، (چون تنها سازهای کودک دنیا همین

بله.

چند سال طول می‌کشد این کتاب‌ها تمام بشود؟

حدود دو سال.

اگر قدرت تصمیم‌گیری داشته‌م، این فعالیت را برای آموزش همگانی، از پیش‌دبستان تا کلاس پنجم، تعیین می‌کردم. البته در آن صورت، نیاز به گسترش برخی فعالیت‌ها بود.

در پایان دوره‌ی دو ساله، عملاً کودک چه نوع سازهایی را می‌تواند بنوازد؟

علاوه بر آن که به‌طور کامل، مبانی موسیقی مشترک در همه‌ی فرهنگ‌ها را - که هدف اصلی این متد است - می‌شناسد، با سازه‌های ارف و فلوت ریکورد، ده‌ها ملودی زیبای فولکلور را به صورت ارکسترال می‌نوازد.

گفتید کتاب‌های دیگری هم دارید؟

بله، من کتابی برای آموزش ساز قانون برای کودکان نوشته‌ام. کتاب اتودی هم برای ویولنسل طراحی کرده‌ام. سال‌ها قبل من به خودم قول دادم که برای هر ساز ایرانی یک کتاب کودک بنویسم؛ چون هم کودک و هم متدولوژی را می‌شناسم. در طراحی این مجموعه تلاش‌م این بود که پُلی میان کلاس‌های ارف و کلاس‌های ساز برقرار کنم.

این خیلی عالی‌ه!

خانم امیری تدریس موسیقی کودک یک تخصص

ویژه می‌خواهد؟

یعنی یک فارغ‌التحصیل دانشگاه و موزیسین با لیسانس می‌آید بیرون، آیا این صلاحیت تدریس دارد یا ندارد؟ علی‌القاعده نباید داشته باشد، درست‌ه؟

بله. آموزش موسیقی به کودک نیاز به کنترل دقیق عوامل تشکیل دهنده‌ی آن دارد: «مدرس»، «کودک» و «منابع درسی».

مدرس، لازم است اطلاعات کافی از سن و مراحل رشد کودک، از نیازهای عاطفی و روحی-روانی او، نقاط ضعف و توانمندی‌هایش داشته باشد. هم‌چنین باید با شیوه‌ی برخورد صحیح با مشکلات پیش‌بینی نشده، آشنا باشد. از طرف دیگر، مربی باید موزیسینی با سابقه‌ی موسیقی قابل‌قبول باشد و مبانی موسیقی علمی را کاملاً بشناسد. در مرحله‌ی بعد، او باید دوره‌ی تئوری و عملی آموزش موسیقی به کودک را بگذراند. قریب نود درصد موزیسین‌هایی که موسیقی کودک تدریس می‌کنند، آشنایی کمی با سیستم آموزشی دارند. به‌همین دلیل، آموزش موسیقی به کودکان در ایران سلیقه‌ای شده است.

پس شما معتقدید یک دوره‌ی تخصصی برای

هنرآموزها باید گذاشته بشود؟

بله.

به نظر شما چه مدت لازم است که یک موزیسین

بشود مربی موسیقی کودک؛ دوماه، سه‌ماه؟

این آموزش شامل یک بخش تئوریک نسبتاً کوتاه و یک بخش مفصل اجرایی‌ست. میزان اطلاعاتی که به کودک ارائه می‌شود، خیلی زیاد نیست، ولی نحوه‌ی پردازش این اطلاعات مهم است و به‌ندرت موزیسینی بدون گذراندن دوره، از پس اجرایی درخور برمی‌آید.

دوره‌ی کارآموزی مربی، با شروع یک کلاس کودک، آغاز، و با فارغ‌التحصیل شدن کودکان آن دوره، به‌پایان می‌رسد. در این مسیر، با دو نوع داوطلب مربی‌گری برخورد می‌کنیم: مدرسین با سواد بالایی موسیقی، که با نحوه‌ی تدریس موسیقی به کودک آشنا نیستند، و مربیان با تجربه‌ی بالایی کار با کودک، که به‌خوبی کودک را می‌شناسند ولی موسیقی کار نکرده‌اند. با یک برنامه‌ریزی صحیح، می‌توان همه‌ی این ظرفیت‌ها را به‌خوبی به‌کار گرفت. در سال ۱۳۷۹ دوره‌ی مربی‌گری مربیان غیرموزیسین مهدکودک‌ها و مدارس را طراحی کردم و در مراکز استان‌ها تدریس کردم. نتیجه بسیار خوب بود. اگر در کشور ما در ارتباط با آموزش موسیقی، مدرک مشخص داده شود، جایگاه واقعی هر کس تعیین می‌شود و جلوی سوءاستفاده‌های بسیاری گرفته می‌شود. من می‌توانم دوره‌های متعددی را برای مربیان در سطوح مختلف برگزار کنم. اگر این کلاس‌ها در مراکز معتبری مانند خانه‌ی موسیقی برگزار شوند و داوطلب، امتحاناتش را با موفقیت طی کند، می‌توانیم مدرک تدریس مطابق با توان و مهارت‌اش را به او بدهیم و از ورود او به دیگر عرصه‌ها جلوگیری کنیم. کارورزی، آشنایی کافی با دانش موسیقی و روان‌شناسی کودک، باید اجباری باشد. مربی، تنها پس از اتمام یک دوره‌ی کارورزی، اجازه‌ی تدریس دریافت می‌کند و با در دست داشتن مدرک معتبر، وارد حوزه‌ی مجاز کاری‌اش می‌شود.

آیا خلأ را در مرکز یا همان مراکز آکادمیک ایران

احساس می‌کنید؟

بله بسیار. من و همسرم آقای مسعود عاشوری «شاعر و ویراستار کتاب‌های من»، به‌اتفاق هم یک دوره‌ی دوساله‌ی تربیت‌مدرس موسیقی کودک (مقطع آکاردانی به کارشناسی دانشگاه) را طراحی کردیم. متأسفانه طرح عقیم ماند.

مقدمات طرح را لطف کنید بدهید تا با دانشگاهی

که آشنا هستیم و یا با دانشگاه دیگر صحبت کنیم.

اگر این اتفاق بیافتد، کام بزرگی خواهد بود...

زیرنویس:

- (۱) این نام، از آن زمان تا به امروز، به‌خطا، به همه‌ی کلاس‌های موسیقی کودک با هر سطح و گرایشی اطلاق می‌شود!
- (۲) این تمرین‌ها برای گروه ارکستر ارف نگاشته شده‌اند و شامل سیلوفون‌های باس، آلتو و سوپرانو، متالوفون‌های باس، آلتو، سوپرانو، بلز و انواع پرکاشن‌های غیرملودیک‌اند.
- (۳) فلوت ریکورد پوزیسیون‌گیری دارد. کودک باید هم‌زمان، چندین پارامتر را کنترل کند: نفس، زبان، انگشت‌گذاری، میزان فشار انگشتان و ... در این مرحله از آموزش، کودک به صورت عملی با طول واقعی دیرندها، اکسنت‌ها، آرتیکوله، موزیکالته و فن بیان موسیقی آشنا می‌شود.

در نشست پژوهشی ضرورت‌های ترانه در موسیقی پاپ مطرح شد

سخت‌گیری در ممیزی نتیجه معکوس دارد

در نشست پژوهشی ضرورت‌ها و کارکرد ترانه در موسیقی پاپ به سخت‌گیری در ممیزی آثار هنری در حوزه موسیقی و ترانه اشاره و تاکید شد که اینگونه برخوردها نتیجه عکس به دنبال داشته است.

کلاسیک آن جدی است گفت: ترانه مقوله‌ای جدا از شعر است و شاید اکثر افرادی که ترانه می‌سرایند شاعرند؛ یک ترانه سرا باید بداند که برای کدام خواننده قرار است ترانه بسراید آنگاه باتوجه به نگاه هنری، جنس صدا، شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی او هماهنگ شده و ترانه بسراید و یا برای خواننده‌ای که در حوزه موسیقی پاپ کار می‌کند و روزمرگی اش را انتقال می‌دهد باید با توجه به مسائل روز و نگاه به ادبیات روز و روزمرگی ترانه اش را بسازد.

در ادامه عاطفی با ابراز تعجب از مصاحبه محمدعلی بهمنی رییس شورای شعر دفتر موسیقی بعد از استعفایش که گفته بود ما اشعار و ترانه‌های ضعیف و سخیف را رد می‌کردیم اما بعدا شاهد پخش آن بودیم فرازهایی از مصاحبه را خواند.

عضو هیئت مدیره خانه در ادامه به نقش و تاثیر بسیار مهم کلام و ترانه در آثار موسیقایی اشاره کرد و گفت: ما شاهد هستیم که در سالیان اخیر برخی خوانندگان سطح متوسط و حتی ضعیف تنها با اتکا به کلام مردم پسند رشد آنچنانی داشته و کنسرت‌های بسیار موفق به لحاظ فروش بلیت در کمتر از یک ساعت داشته‌اند. رجب پور با اشاره به مصاحبه محمدعلی بهمنی گفت: با کمال احترام به این شخصیت دوست داشتنتی باید بگویم که سخنان ایشان درست نیست و چرایی آن بماند و بعد اینکه ایشان به فاصله یک ماه به جایگاه خودشان در شورای شعر بازگشتند. وی در ادامه گفت آثار ضعیف و سخیف هم به آثار بعد از انقلاب منحصر نیست ما قبل از انقلاب خیلی خیلی اوضاع بدتری داشتیم و آنقدر ترانه‌ها و کلام سخیف و ضعیف داشتیم که آثار بعد از انقلاب در مقابل آنها چیزی نیست.

در نشست پژوهشی ضرورت‌ها و کارکرد ترانه در موسیقی پاپ که عصر روز گذشته به همت کانون پژوهشگران در محل خانه هنرمندان ایران برگزار شد به سخت‌گیری در ممیزی آثار هنری در حوزه موسیقی و ترانه اشاره و تاکید شد که اینگونه برخوردها نتیجه عکس به دنبال داشته است.

در این نشست که فردین خلعتبری آهنگساز، محسن رجب پور ناشر، حسین غیائی ترانه سرا و حمیدرضا عاطفی روزنامه نگار و عضو هیئت مدیره کانون پژوهشگران حضور داشتند به مسائل و موضوعات مرتبط به ترانه و کلام در موسیقی پاپ پرداختند.

در آغاز عاطفی با اشاره به اهمیت ناشران در نشر آثار فاخر یا سخیف گفت: آقای رجب پور به عنوان یکی از ناشرانی است که در خصوص انتشار آثار و ترانه‌های ضعیف مورد انتقاد قرار گرفتند و بهتر است در این نشست پاسخی به این انتقادات بدهند.

در ادامه رجب پور با اشاره به گسترش وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های مجازی در دنیای امروز گفت: من هم معتقدم که سطح آثار هنری در این زمینه بسیار پایین است و ما باید به چرایی این موضوع بپردازیم و قطعا عوامل زیادی در افت و افول ترانه و موسیقی و رسیدن به شرایط حال حاضر دخیل است.

سپس فردین خلعتبری ضمن انتقاد از اینکه در ایران بیشتر به نقاط ضعف و تولیدات ضعیف و سطح پایین پرداخته می‌شود گفت: دغدغه من پرداختن به اتفاقات ضعیف و سطح پایین در حوزه هنر به طور کل نیست و برای من سوال است که چرا همه اش برنامه‌ها در زمینه پرداختن به ضعف‌ها و تولیدات به قولی سخیف تهیه و اجرا می‌شود و کسی نمی‌آید درباره آثار خوب صحبت کند. حسین غیائی با اشاره به اینکه نگاهش به ترانه از نوع



که برای مجوز به شورای شعر داده بودم از عبارت شبی به دیدارم بیا ایراد گرفته بودند !!

غیائی در ادامه افزود اینگونه سخت گیری‌ها موجب می‌شود تا ترانه سرا نسبت به اصلاح ترانه همکاری‌های لازم را نداشته باشد چرا که اصلاحات وقتی زیاد باشد ترانه سرا ترجیح می‌دهد دیگر کلا منصرف شود و ترانه بدون کمترین اصلاحی به طرق دیگر منتشر شود.

در ادامه انتقادات به میزبانی‌های موجود محسن رجب پور گفت: در حال حاضر دفتر موسیقی زیر شدیدترین فشارها قرار گرفته به طوری که به جرات می‌توان گفت که نو و هشت درصد اشعار ارائه شده برای دریافت مجوز رد می‌شود و این اصلا به صلاح فرهنگ مملکت نیست چرا که فعالان و هنرمندان را به فعالیت‌های زیرزمینی سوق می‌دهد و از سوی دیگر راه را برای آثار بی هویت و بی ارزش باز می‌کند.

دقایق پایانی این برنامه به پرسش و پاسخ اختصاص یافت و چند تن از حاضران به طرح پرسش‌ها و دیدگاه‌های خود پرداختند. این نشست نخستین نشست از سلسله نشست‌های کانون پژوهشگران خانه بود و قرار است به صورت ماهانه به مسائل و مشکلات حوزه موسیقی در قالب نشست‌های پژوهشی پرداخته شود.

خلعتبری با انتقاد از سخت گیری ممیزی دفتر موسیقی و شورای شعر گفت: این زشت است که زیر متن و ترانه‌های ضعیف که برای مجوز ارسال می‌شود مهر وزارت ارشاد بخورد. هر ژانری از ترانه و کلام جا و کارکرد خودش را دارد ولی گرفتاری ما از اینجاست که یک عده‌ای را در شورا گرد هم آوردیم که باید به آثاری که تولید می‌شود نظارت کنند و به آنها مجوز بدهند در صورتی که در هیچ کجای دنیا چنین سیستمی نیست و همه می‌توانند آثارشان را منتشر کنند و این جامعه است که به آثار خوب و کیفی اقبال نشان می‌دهند. اساسا کار هنری کارکرد و الزامات خودش را دارد و با بگیر و ببند و یا دادن امکانات خاص نمی‌توان جریان هنر را هدایت کرد.

خلعتبری در ادامه به بیهوده بودن موضوع ممیزی در دفتر شعر و موسیقی وزارت ارشاد اشاره کرد و گفت: وظیفه وزارت فرهنگ در همه جای دنیا حفظ و اشاعه آثار خوب و ارزشمند است و نه ممیزی، چرا که ما بارها شاهد بودیم که اثری هم که مجوز نمی‌گیرد به هر طریقی بیرون می‌آید... چند سال پیش آثار بسیار ضعیفی را دیدیم که مجوز گرفته بود و جالب آنکه از شورایی مجوز گرفته بود که همین آقای بهمنی هم عضو بود و من به مرحوم مرداخانی گفتم چگونه به این اثر مجوز داده‌اید؟!

حسین غیائی با ابراز تعجب از ممیزی‌ها گفت اخیرا ترانه‌ای را

در اولین نشست تخصصی کانون صدابرداران مطرح شد

مشکلاتمان حل شدنی است اگر کنار هم باشیم



صدابرداریانی آشنا شویم که عضو خانه موسیقی نبوده‌اند. این جلسه در حقیقت باب آشنایی ما با افرادی است که تا به حال ندیده‌ایم و در ادامه تصمیم داریم کلاس‌های جدیدی برگزار کنیم که به زودی در این مورد اطلاعات کافی را به علاقمندان منتقل کنیم. در ادامه این مراسم امید انصاری رییس کانون صدابرداران خانه موسیقی گفت:

هدف ما از این جلسه و جلساتی در آینده ارتباط گیری با دوستان قدیمی و جدید و بررسی مشکلات این حوزه و بررسی مسائل صنفی است. مشکلات ما در این حوزه مشترک و یکسان است و با همراهی هم باید کمک کنیم تا بتوانیم این مشکلات را برطرف کنیم.

بخشی از صدابرداران امروز جوانان و دانشجویانی هستند که بسیار آگاه هستند، جوایز بین المللی کسب کرده‌اند و می‌توانند به ادامه این مسیر کمک کنند.

وی افزود: امروزه اگر من صدابردار یک ماه در استدیو کار نکنم حتی قابلیت‌های گذشته خود را ندارم در نتیجه صدابرداری یک حرفه به روز است. در مقابل مشکلاتی داریم که برای ما مخاطراتی را مطرح کرده و امید همه ما حل این مشکلات است.

مثلا بخش زیادی از استدیوها در ملک‌های مسکونی است و یکی پس از دیگری در حال بسته شدن است و اعلام شده استدیو باید در ملک تجاری باشد اما همین قوانین و اینکه راهی برای حل این مشکلات نیست عرصه را برای صدابرداران تنگ کرده است. در ادامه شرکت کنندگان در این گردهمایی به مرور مشکلات خود پرداختند و مسائل جدی و صنفی خود را بیان کردند.

روز دوشنبه ۱۴ شهریور ماه اولین نشست تخصصی کانون صدابرداران با حضور اعضا این کانون و با موضوع پرداختن به مسایل صنفی برگزار شد.

این برنامه اعضا کانون صدابرداران حضور داشتند و ابتدا به مرور کارها و اقدامات گذشته پرداختند.

سوسن بخشایش از اعضا قدیمی کانون صدابرداران در ابتدای این گردهمایی به این نکته اشاره کرد که ما به تجربه دریافتیم صدابرداری یک اتفاق تجربی است و چه بهتر که هم نسلان ما تجربیات خود را به جوان‌ترها منتقل کنند.

پس در این زمینه پیش قدم شدیم با جوان‌ترها مطرح کردیم، کلاس‌هایی برگزار کردیم که این کلاس‌ها مورد استقبال قرار گرفت. از آنجایی که ما به دنبال منافع شخصی نبودیم با قیمت حداقلی این دوره‌ها قبل از کرونا برگزار شد، مدرک رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شرکت کنندگان اعطا شد و نتیجه برای ما بسیار خوشحال کننده بود.

وی ادامه داد: بازخورد شرکت کنندگان برای ما امیدوار کننده بود و البته وزارت ارشاد هم از این طرح استقبال کرد و هرکس که خواهان صدابرداری بود او را به این دوره‌ها ارجاع می‌دادند.

بعد از مدتی با واردکنندگان دستگاه‌های صدابرداری ارتباط برقرار کردیم که آن هم نتایج خوبی برای ما داشت.

سوسن بخشایش که سالها در عرصه صدابرداری موسیقی تجربه دارد در ادامه گفت: تصمیم گرفتیم بعد از سالها برای صدابرداران پیشکسوت مراسم تقدیر و بزرگداشت برگزار کنیم که این هم مورد استقبال اعضا و اهالی صدا قرار گرفت.

حالا تصمیم گرفته ایم دنیای خود را وسیع تر کنیم و با

فراخوان هفتمین دوره جایزه دوسالانه کتاب و آلبوم موسیقی منتشر شد



وقوع برخی اتفاقات تلخ این جشن برگزار نشد. در نتیجه در جشن سال جاری برترین آلبوم‌های موسیقی سال ۱۳۹۸ نیز معرفی خواهند شد. لازم به ذکر است امسال برای نخستین بار معرفی آلبوم برتر موسیقی پاپ و موسیقی نواحی به بخش رقابتی دوسالانه‌های آلبوم برتر جشن خانه موسیقی اضافه شده است

جایزه بهترین کتاب:

در حوزه آثار مکتوب، خانه موسیقی پس از بررسی و داوری کتابهای منتشر شده در چهار رشته آموزشی، تالیف (علمی و پژوهشی)، ترجمه و آهنگسازی (نت و پارتیتور) که چاپ نخست آنها در مقطع زمانی نیمه دوم سال ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۴۰۱ منتشر شده باشد بهترین کتاب (چهار عنوان) را برمی‌گزیند.

متقاضیان شرکت در این رقابتها تا پانزدهم شهریور ماه سال جاری فرصت دارند تا آثار خود را به دبیرخانه جشن موسیقی به آدرس خیابان فاطمی غربی بعد از خیابان جمالزاده خانه موسیقی ایران ارسال کنند.

مراسم پایانی این جایزه و معرفی برگزیدگان دی ماه سال جاری (۱۴۰۱) برگزار می‌شود.

بنا بر اعلام رسمی خانه موسیقی ایران، بعد از سه سال تعطیلی جشن خانه موسیقی ایران به دلیل کرونا امسال قرار است هفتمین دوره این جایزه در دو بخش جایزه بهترین آلبوم (موسیقی ایران) و جایزه بهترین کتاب در دی ماه برگزار شود.

جزئیات جایزه بهترین آلبوم موسیقی:

خانه موسیقی ایران در نظر دارد از میان آلبومهای منتشر شده در حوزه موسیقی ملی ایران و در مقطع زمانی نیمه دوم سال ۱۳۹۸ تا مرداد ۱۴۰۱ پس از تجزیه و تحلیل محتوایی و بررسی‌های لازم، بهترین آلبومها را انتخاب و در جشن موسیقی دی ماه سال جاری معرفی کند.

بهترین آلبوم‌های موسیقی ملی ایران در پنج بخش شامل موسیقی ایرانی (دستگاهی-ارکسترال، آثاری که با استفاده از سازها و فرمهای کلاسیک ساخته شده است)، موسیقی کلاسیک غرب، موسیقی پاپ و موسیقی نواحی برگزیده خواهد شد.

ذکر این نکته ضروری است که آخرین جشن خانه موسیقی ایران سال ۱۳۹۷ برگزار شد و در سال ۱۳۹۸ علیرغم اعلام عمومی و گزینش آلبوم‌های برتر به علت



امیر انجیری استرکی

تشکیل گام

با استفاده از جایگشت ۱ دو تتراکرد

ردیف منظم و معینی از چهار صدا با فواصل متصل در محدوده چهارم درست «تتراکرد» یا «دانگ ۲» نام دارد. با ثابت ماندن اصوات پائین و بالای هر تتراکرد و تغییر کُرْماتیک اصوات میانی تتراکردهای مختلفی ساخته می‌شود. در موسیقی کلاسیک



ساختار فاصله‌ای اقسام تتراکرد از بَم به زیر عبارتنداز:

- ۱- دَوم بزرگ، دَوم بزرگ، دَوم کوچک. (تتراکرد ماژور)
 - ۲- دَوم بزرگ، دَوم کوچک، دَوم بزرگ. (تتراکرد مینور)
 - ۳- دَوم کوچک، دَوم بزرگ، دَوم بزرگ. (تتراکرد فریزین)
 - ۴- دَوم کوچک، دَوم افزوده، دَوم کوچک. (تتراکرد هارمونیک)
- در زیر اقسام چهارگانه تتراکرد بر مبنای نت‌های «دُ» و «سُل» نشان داده شده است.



۳- تتراکرد پایینی منطبق بر قسم اول و تتراکرد بالایی منطبق بر قسم سوم. این گام قرینه «ماژور ملودیک» پایین رونده است.



۵- تتراکرد پایینی منطبق بر قسم اول و تتراکرد بالایی منطبق بر قسم چهارم. این گام «ماژور هارمونیک» نام دارد.



۶- تتراکرد پایینی منطبق بر قسم دوم و تتراکرد بالایی منطبق بر قسم اول. این گام «مینور ملودیک بالارونده» نام دارد.

بر مبنای اقسام چهارگانه تتراکرد و جایگشت تتراکردهای پایینی و بالایی، ۱۶ گام ساخته می‌شود.

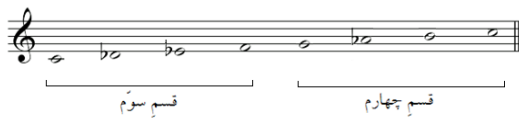
۱- هر دو تتراکرد منطبق بر قسم اول. این گام «ماژور طبیعی» یا «یئینی» نام دارد.



۲- تتراکرد پایینی منطبق بر قسم اول و تتراکرد بالایی منطبق بر قسم دوم. این گام «میکس لیدین» نام دارد.



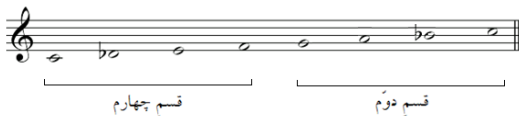
۱۳- تتراکرد پایینی منطق بر قسم سوم و تتراکرد بالایی منطق بر قسم چهارم. این گام «ناپلی تن کوچک»^۴ نام دارد.



۱۴- تتراکرد پایینی منطق بر قسم چهارم و تتراکرد بالایی منطق بر قسم اول. این گام «یونی ین» با درجه دوم پایین آمده (II-) است.



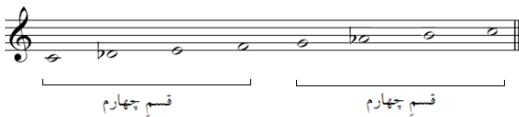
۱۵- تتراکرد پایینی منطق بر قسم چهارم و تتراکرد بالایی منطق بر قسم دوم. این گام «میکس لیدین» با درجه دوم پایین آمده (II-) است.



۱۶- تتراکرد پایینی منطق بر قسم چهارم و تتراکرد بالایی منطق بر قسم سوم. این گام را گام «کوچک اسپانیایی»^۵ نامیده اند.



۱۷- هر دو تتراکرد منطق بر قسم چهارم. این گام «ماژور دابل هارمونیک» نام دارد.



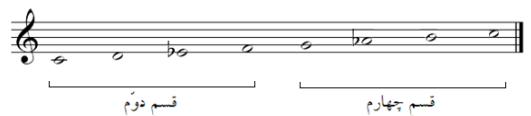
۷- هر دو تتراکرد منطق بر قسم دوم. این گام «درین» نام دارد.



۸- تتراکرد پایینی منطق بر قسم دوم و تتراکرد بالایی منطق بر قسم سوم. این گام «مینورطبیعی» یا «اُلین» نام دارد.



۹- تتراکرد پایینی منطق بر قسم دوم و تتراکرد بالایی منطق بر قسم چهارم. این گام «مینور هارمونیک» نام دارد.



۱۰- تتراکرد پایینی منطق بر قسم سوم و تتراکرد بالایی منطق بر قسم اول. این گام «ماژور ناپلی-تن» نام دارد.



۱۱- تتراکرد پایینی منطق بر قسم سوم و تتراکرد بالایی منطق بر قسم دوم. این گام «درین» با درجه دوم پایین آمده (II-) است.



۱۲- هر دو تتراکرد منطق بر قسم سوم. این گام «فریزین» نام دارد.





بهروز مبصری

نگاهی به آثار و زندگانی حسین ترانی ۱۳۵۲/۱۳۹۰

نایغه ضرب



حسین ترانی را نایغه ضرب نامیده اند؛ در آغاز عصر تجدد گرایسی دوره پهلوی اول و تعویض حکومت قاجار به پهلوی و تغییر سریع سازه‌های اجتماعی تحولی در موسیقی نیز رخ داد که ریشه در انقلاب مشروطه داشت. ضبط‌های اولیه دوره قاجار و در زمان پهلوی اول، ورود کمپانی‌های صفحه پرکنی از سال ۱۳۰۶ ش به بعد و آهنگ و آهنگسازی جدید ورود خوانندگان جدید اعم از زن و مرد ساز تنبک را تحولی نیاز بود اما زمان می‌خواست تا سره از ناسره قابل تشخیص باشد و حسین ترانی آرام آرام می‌آموخت و خود را برای تحولی آماده می‌کرد که چون چشمه‌ای خروشان در جامعه موسیقی جاری شود.

حسین ترانی در مصاحبه‌ای به سال ۱۳۵۰ ش که با فریدون گیلانی انجام داده و در مجله سپید و سیاه به چاپ رسیده می‌گوید: متولد ۱۲۹۰ هـ.س.م. من از سال ۱۳۰۵ ش که در کلاس سوم دبیرستان اشرف بودم ضرب زدن را شروع کردم. آن موقع ۱۴-۱۳ ساله بودم. پدرم ریش سفید محل بود و با رضا باربد خدا رحمتش کند کمانچه می‌کشید دوستی داشت من هم یک گلدان برداشتم رویش پوست کشیدم و می‌زدم. یک شب بابام مرا به مهمانی برد. ما را که توی اتاق نمی‌بردن از بیرون شنیدم بابام میگه این پسره داره آبروی من را می‌بره دنبک می‌زنه.

رضا باربد مرا نزد حسین خان کمانچه کش برده روزها ضرب می‌گرفتیم زیر عبا. سه راه امین حضور می‌نشستم توی واگن (تراموا) می‌رفتم شمس العماره (ناصر خسرو) آنوقت‌ها واگن بود و توی واگن ضرب می‌زدم. برای اینکه اذیت نکند توی واگن وسطی که جای زنها بود می‌رفتم.

اما توی محل که راه می‌افتادم همش تف و لعنت مردم بود روشون را از من برمی‌گردوندند و می‌گفتن این حرامزاده است. پسر میرزا نیست اگر بود اینکار را نمی‌کرد. پنجاه سال توی این ضرب کوبیدم و پنجاه سال تو سری خوردم. سال ۱۳۱۷ ش بود که رسیدیم به صبا در گلندوئک (کرج) منزل نظام خواجه نوری بودیم. صبا بی به استعدادم برد و آموزش علمی موسیقی داد. آن موقع بنده به فکر افتادم روی تنبک انگشت گذاری کنم. خودم پیدا کردم هر انگشت یک صدا میداد ما امدیم روی چوب و پوست انگشت گذاری کردیم نصفش رو پوسته نصفش روی چوب بعد مدرسه انجمن موسیقی ملی تأسیس شد. سال ۱۳۱۸ ش البته بعد هم رادیو ۱۳۱۹ ش بود که افتتاح شد که رفتیم رادیو.

حسین ترانی در رادیو در آغاز کار برایش خوشایند نبود. همان

اولین روز که رفت حضور متخصصان آلمانی در نخستین فرستنده رادیویی چنان انگلیسی‌ها را به بدگمانی واداشته بود که هم پای مردمی که در میدان حسن آباد جمع شده بودند تا صدای گوینده و آواز بدیع زاده و ویلن صبا را نشنوند از جمله اولین گفته‌ها این بود که در ابتدای برنامه‌های موسیقی آلمانها به افراد خود با مورش تلگراف پیام‌هایی را رد و بدل میکردند. آنچه که انگلیسی‌های متبحر را به حیرت واداشته بود، ضرب حسین ترانی بود که فکر میکردند آن هم مورش تلگراف است. دو سه روزی طول کشید تا اثبات کند که ساز تنبک است نه مورش تلگراف.

در سال ۱۳۲۱ ش زمانی که کلنل وزیری رئیس موسیقی رادیو بود دستمزد یک ماه حسین ترانی ۹۰۰ ریال بوده است. رادیو به عنوان یک رسانه عمومی آرام آرام صدای تنبک حسین ترانی را در

که خود حافظ تصانیف بسیاری بوده به اتفاق منوچهر همایون پور خواننده نزد حسین تهرانی می‌روند تا تصنیف سیه چشم از علی اکبر شیدا را به صورت صحیح اجرا کند. نکته جالب اینجاست که حسین تهرانی آقای احمد ابراهیمی را استاد خطاب می‌کند که نشان از جایگاه ایشان میدهد.

همچنین پس از بازگشت از جشن هنر شیراز سال ۱۳۴۹ ش در منزل هوشنگ ابتهاج سعید هرمزی در بیات ترک سه تار می‌نوازد، حسن تهرانی می‌خواند که نوای تنبک ایشان طوری است که تحسین استاد شهریار را برمی‌انگیزد. این اثر امروزه بارها و بارها به وسیله هنرمندان بازسازی شده است.

حسین تهرانی یک بار سکنه می‌کند و در بیمارستان بستری می‌شود ولی پس از معالجه مجدد به فعالیت خود ادامه می‌دهد. پس از فوت صبا به سال ۱۳۳۶ ش که یار دیرینه اش بود با گروه پایور به فعالیت ادامه داده که تا آخر عمر همکاریش ادامه داشت و نظم و انضباط استاد پایور همیشه مورد توجه حسین تهرانی بوده است. حسین تهرانی هیچ وقت ازدواج نکرد و تا پایان عمر مجرد زیست و تمام انرژی خود را صرف هنر تنبک نوازی کرد که امروزه نتایج آن زحمات را می‌بینیم که دیگران این بار فرهنگی را رو به جلو می‌برند.

حسین تهرانی چند سال بعد مجدداً مریض احوال میشود و در بیمارستان امیر اعلم در دروازه دولت بستری می‌شود. هنرمندان بسیاری به ملاقاتش می‌روند که اخبار آن در روزنامه‌های آن موقع به چاپ رسیده است.

حسین تهرانی در نخستین ساعات بامداد ۵ شنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۵۲ دیده از جهان فروبست. پیکرش را همان روز به قبرستان ظهیرالدوله واقع در میدان تجریش بردند و در آنجا به خاک سپرده شد.

۷ ساعت بعد از ظهر همان روز تلویزیون ملی ایران یک فیلم یک ساعته از کارها و مصاحبه‌های وی پخش کرد؛ از جمله ضرب لوکومیتو بود که حرکت قطار را نشان می‌داد که صدای تنبک عیناً با حرکت قطار یکی بود.

از جملات معروف حسین تهرانی که در سال ۱۳۴۶ در دهمین سالگرد استاد صبا فیلمی به تهیه‌کنندگی دولو قاجار است که مرحوم عبدالرسولی نوازنده سنتور و خطاط مصاحبه با حسین تهرانی می‌کند که می‌گوید: هنر ۹۹ تا اخلاق است یکی هنر.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

گوش مردم جا انداخت. و کار نواخت تنبک تبدیل به کتابی جهت نوازندگی اش شد که به وسیله حسین دهلوی به چاپ رسید که تا به امروز همچنان تجدید چاپ می‌شود.

حسین تهرانی به ساز تنبک شخصیت داد و آرام جایگاه خود را در میان سازها به تثبیت رساند و از همراه بودن و نواختن با سازی دیگر به سازی مستقل رساند که در گروه‌ها و ارکسترها بنوازد.

تسلط خیره کننده به ضربی‌ها و ردیف آوازی و حافظه عالی از تصانیف قدیمی و صدای گرم و با احساس باعث شد که در هر محفلی چون ستاره‌ای درخشان بدرخشد. وی را گنجینه ضرب‌المثل‌های ایرانی می‌دانستند و جملات طنزگونه اش زبانزد محافل هنری بود.

استاد زنده یاد فرامرز پایور در مورد وی می‌گوید: حسین تهرانی سعی کرده بود کلیه گوشه‌های ردیف آوازی را که امکان و بنیه ضربی شدن را دارند تنظیم کرده و خود آنها را بخواند و چنان مهارتی در این کار پیدا کرده بود که گاهی نوازندگان از جواب گویی به آنچه می‌خواند عاجز می‌ماندند، مگر نوازندگانی که به تصانیف قدیمی آشنایی کامل داشتند. به گفته استاد پایور حسین تهرانی شروع به درست کردن گروه‌های تنبک نوازی میکرد.

به گفته استاد پایور حسین تهرانی در کار با ارکستر فوق العاده بود و دقت می‌کرد که نوانس موسیقی را کاملاً حفظ کند؛ زیرا خود متوجه این قضیه بود که ضرب آلتی پر سر و صدا و خفه کننده سازهای دیگر به خصوص سازهای ملی ایران است. به علاوه در ارکستر اغلب نقش مترنوم را بازی می‌کرد زیرا معتقد بود که ضرب همان رهبری ارکستر در گروه‌های کوچک نوازندگان موسیقی ایرانی است و تندی و کندی آهنگ به میل و دلخواه نوازنده ضرب تغییر می‌کند و او می‌تواند ارکستر را به هر وزنی که می‌خواهد بکشد. از این نظر گروه‌های موسیقی که با حسین تهرانی همکاری می‌کردند خیلی استفاده می‌بردند. در ضمن تهرانی در موقع همراهی با تک‌نواز چون خود مضراب شناس بود و تمام مضراب‌های مشکل ساز را با ضرب تقلید میکرد به این ترتیب لذت و هیجان بیشتری نصیب شنوندگانی می‌شد که به ساز نوازندگانی که تهرانی آنها را همراهی می‌کرد گوش می‌کردند.

از جمله آثار وی حضور در برنامه گلها و ضبط یک ساعته تنبک‌نوازی که در بخش‌هایی از آن همراه سنتور پایور است که در صفحه گرامافون به ضبط رسید که از آثار ماندگار موسیقی ایران است. در مورد حافظه تصنیف خوانی حسین تهرانی در یک نوار که در محفل خصوصی ضبط شده است زنده یاد احمد ابراهیمی خواننده

منبع و مأخذ:

مجله سپید و سیاه ۱۳۵۰- فریدون گیلانی
از سید ضیا تا دولت بختیار ص ۱۵۸
استاد رادیو ص ۲۰۰
یادنامه حسین تهرانی ص ۳۰

آسیب‌شناسی دلایل اُفول فرهنگ شنیداری ایرانیان و ارائه‌ی راهکاری در قالب یک پویش ملی

در امور فرهنگی،

خودم برای خودم تصمیم می‌گیرم!



محمد رضا ممتاز واحد

آثار درجه سه و چهار هنری است. تقریباً و تحقیقاً، بیشترین آسیب در خصوص اُفول فرهنگ شنیداری ایرانیان را رادیو و تلویزیون حاکمیت (موسوم به صدا و سیما) جمهوری اسلامی ایران) منجر گشته است.

شاهد بر این مدعا، تولیدات موسیقی پخش شده از رسانه‌ها و عرضه شده به‌بازار موسیقی در دهه‌ی ۱۳۶۰ خورشیدی است که در غیاب بسیاری از شرکت‌ها و دلّالان فرهنگی فعلی، حایز مرتبت هنری بالاتری نسبت به اکثریت تولیدات موسیقی کُنونی بود؛ آن‌هم در عصری که بیشترین سخت‌گیری‌ها نسبت به موسیقی اعمال می‌شد.

جالب اینجاست که در حال حاضر، کار به‌جایی رسیده که برنامه‌های پرمخاطب تلویزیونی و یا رادیویی، از کارشناسان و منتقدان موسیقی دعوت به‌عمل می‌آورند تا به‌نقد و نظر در مورد آثاری چون "شوخی مگه بذاری بری نمونی" یا "اوه اوه چشماتم مٹ من رنگیه" پردازند غافل از آن که خواسته یا ناخواسته (و یا، دانسته یا ندانسته!)، در جهت معرفی و یا تبلیغ این دست آثار اقدام کرده‌اند. این نکته را فراموش نکنیم، گاه نقد یک اثر و عوامل آن، بیشتر از آن که نقش آگاهی‌بخشی نسبت به جامعه را دارا باشد، جنبه‌ی تبلیغی دارد! آگاهی و خرد جمعی ایرانیان بسیار بالاتر و برتر از آگاهی‌بخشی این قسم از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی است.

و اما، تقاضا، بحث دیگر این آسیب‌شناسی است. هرچند تقاضای یک جامعه در مورد آثار هنری، وابسته به‌خوراک هنری ارائه شده از جانب بازار و رسانه‌ها است ولی در این مورد، رسالت آحاد جامعه در خصوص عدم آلودگی شنیداری‌شان چیست؟ آیا هرآن‌چه که از جانب بازار و رسانه‌ها به‌خورد مخاطب داده شود

در خصوص موسیقی و در مورد آسیب‌شناسی دلایل اُفول فرهنگ شنیداری ایرانیان و تنزل سطح آن در برهه‌ی حاضر، کم و کیف "عرضه" و "تقاضای" موسیقی را بایستی به‌نقد و بحث و نظر پرداخت و البته، عامل تعیین‌کننده و تأثیرگذار "رسانه" را نمی‌توان و نباید هم نادیده انگاشت.

در مورد عرضه‌ی موسیقی، ابتدا این سؤال در ذهن متبادر می‌شود که «آیا، عرضه‌ی موسیقی تماماً برعهده‌ی مصنفین آثار (یعنی، اساساً موسیقی‌دانان) می‌باشد؟» بدیهی است که چنین نیست و صنعت موسیقی چه در ایران و اساساً در دنیا، پای شرکت‌های نشر و توزیع آثار موسیقی را نیز به‌میان می‌کشد و در تبانی رسانه‌های جمعی با شرکت‌های مذکور متأسفانه و با دریغ بسیار، بازار موسیقی، بیش از آن که در دست مصنفین آثار موسیقی (یعنی، موسیقی‌دانان) باشد، در سیطره‌ی واسطه‌گران شرکت‌ها و رسانه‌ها است.

به‌عبارت واضح‌تر، موسیقی‌دانی که در صدد تهیه و تولید یک اثر فاخر هنری (حال، در هر سبک و ژانر موسیقایی) است، ورود اثرش به‌بازار موسیقی و انعکاس آن در رسانه‌های جمعی، در دست وی و در حیطه‌ی اختیار او نیست و تصمیم‌گیران، افراد دیگری هستند که معیار آنان - بیشتر از آن‌که دال بر مراتب هنری یک اثر موسیقایی باشد - فروش و سود حاصل از آن است.

در این حین، رسانه‌های جمعی (یعنی، رادیو و تلویزیون) از یک‌سو، در کش و قوس بلاتکلیفی ناشی از عداوت حاکمیت با موسیقی و از طرفی، جذب حداکثری منفعت واسطه‌گران خود بوده فلذا، بیش از آن که نقش محرک را در این میان دارا باشند، حایز نقش سلبی و بازدارنده‌ای است که در این بین، متضرر اصلی همانا، آثار فاخر و درجه یک موسیقی‌اند زیرا سود و نفع حاصله، در



بایستی تماماً مورد پذیرش جامعه‌ی آگاه قرار گیرد؟ آیا، جامعه‌ی آگاه نسبت به تهیه و خرید تمامی مواد غذایی ارائه شده به بازار که از سوی رسانه‌ها هم تبلیغ می‌شوند، ملاحظت نشان داده و خواستار و خریدار آن‌ها می‌گردد؟ ابدأ که چنین نیست و بسیاری از تولیدات بازار غذایی که اتفاقاً از رسانه‌ها هم مرتباً تبلیغ می‌شوند، در سید غذایی بسیاری از خانواده‌های ایرانی جای ندارد. پس چگونه است که این حساسیت به رژیم غذایی نسبت به رژیم شنوایی صورت نمی‌پذیرد و خانواده‌های آگاه ایرانی، نسبت به خریدن و یا شنیدن تولیدات موسیقی عرضه شده به بازار که برخی از آن‌ها از رسانه‌ها نیز پخش می‌شوند، تا به این حد حساس نیستند؟

مگر نه این است که رژیم مناسب غذایی، سلامت جسمی و رژیم سالم شنیداری، سلامت روحی را در پی خواهد آورد؟ آیا بدن سالم بدون سلامت روح و روان، از سلامت واقعی برخوردار است؟ در برهه‌ی کنونی، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بسیار

پرمخاطب ظاهر شده‌اند - و فارغ از برخی لطمات و معایب این پلتفرم‌های پیام‌رسان -، حایز خدمات و محاسنی نیز می‌باشند. اجتماعات آنلاین که راقم این سطور، نام "رسانه‌های خودگردان" (ممتاز واحد، ۱۳۹۵) را برای آن‌ها در نظر گرفته است، این امکان را به‌شونده‌ی آگاه موسیقی می‌دهد که خود به‌انتخاب، گزینش و طبقه‌بندی موسیقی دلخواهش بپردازد و بهترین موسیقی را بدون سانسور، تبعیض جنسیتی و فیلترینگ بشنود و چه بسا برای اعضای خانواده‌اش نیز فرهنگسازی نماید.

این نکته را از یاد نبریم که همه چیز در دست رسانه‌ها و سودجویان نیست و لاقلاً در امور فرهنگی می‌توان با درایت و بصیرت، خودمان برای خودمان تصمیم بگیریم و شاید این راهکار در قالب پویشی ملی - "تحت عنوان: در امور فرهنگی، خودم برای خودم تصمیم می‌گیرم" -، به‌مرور زمان تحریم رسانه‌ها و بازاریان موسیقی را منجر گشته تا سرانجام آن، تعالی فرهنگ شنیداری ایرانیان باشد؛ انشالله.

پی‌نوشت:

- ممتاز واحد، محمدرضا، ۱۳۹۵. تأثیر و تأثر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر اوضاع موسیقی: نیاز «جامعه موسیقی» به یافتن اجتماعات آنلاین. کتاب هفته خبر: ش ۱۴۲، هفته اول اسفند.

پیوند موسیقی و دین ناگستنی است

نشست پژوهشی «موسیقی مذهبی خوانش و دگرگونی آن» به همت کانون پژوهشگران خانه موسیقی ایران روز چهارشنبه ۲۶ مرداد ماه در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.



اما نوع خلق موسیقی‌های مذهبی در آن دوران آنگونه بوده که وقتی مداحان شروع به نوحه خوانی یا حضور در دسته‌ها می‌کردند شاعران با آنها همراه می‌شدند، به دنبالشان می‌رفتند و به نوعی از آنها الهام می‌گرفتند مثلاً آهنگ "زهره" از داریوش رفیعی برگرفته از یک نوحه قدیمی است یا حتی این اواخر سرود "محمد نبودی ببینی" برگرفته از یک نوحه دزفولی با صدای بخشو بوده است. بماند که در زمانه ما همه چیز دگرگون شده و مداحی‌ها و اشعار مذهبی شکل دیگری به خود گرفته است. در ادامه نشست بهروز وجدانی در مورد ثبت جهانی مداحی‌ها و روضه‌ها و موسیقی مذهبی گفت:

کشور ما از اعضای اولیه یونسکو است و ما در طول تاریخ یونسکو حضور فعالی داشته ایم. به عنوان نمونه از اولین کشورهایی هستیم که در سال ۱۹۸۰ در مورد موسیقی عمومی و مردمی صحبت کردیم. در سال ۱۹۹۶ در یونسکو برنامه حمایت از گنجینه‌های

در این نشست پژوهشی ایرج نعیمی، مهرداد عربستانی، بهروز وجدانی و بهروز مبصری حضور داشتند و در مورد موضوعات مختلف با هم به بحث و گفت و گو پرداختند.

در ابتدای این نشست بهروز مبصری در مورد تاریخچه نوحه‌ها در سرزمین ما گفت: از دوران پهلوی اول به دلیل نبود شرایط ضبط آثار، منابع کافی از نوحه‌ها و روزه خوانی‌ها نداریم اما از حوالی سال ۱۳۰۴ که همزمان با ورود رادیو به ایران بوده ضبط و به مرور آرشپو نوحه‌های قدیمی اتفاق می‌افتد. به خصوص که از سال ۱۳۳۸ زمانی که صفحه‌های سنگی جای خود را به صفحه‌های پلاستیکی دادند روند ضبط‌ها سرعت بیشتری به خود گرفته و پایدارتر بوده است.

به استناد منابع از این دوران صفحات تعزیه و روضه خوانی فراوانی داریم. نمونه این موارد آثار باقی مانده از مرحوم احمدی و مرحوم ذبیحی یا مرحوم بهاری که مناجاتی در دستگاه اصفهان دارد است.

متاثر از سبک زندگی است و به عنوان مثال سلیقه موسیقی ما با سلیقه موسیقی قبایل آفریقایی بسیار متفاوت است و این در مجموع راهی برای شناخت سلیقه اقوام مختلف دنیا در عرصه هنر و موسیقی است.

موسیقی برای انتقال باورها بسیار استفاده می‌شود. مثلاً بخشی از درک ما و باور و شناخت ما از واقعه عاشورا برگرفته از همین موسیقی‌های مذهبی، مداحی‌ها و روضه هاست و به این دلیل ادیان تلاش می‌کنند معیارهایی برای موسیقی صحیح یا غیر صحیح داشته باشند.

بسیار شنیده ایم صاحبان ادیان که گاه موسیقی را نوای الهی و گاهی صدای شیطان نامیده‌اند و این نتیجه ارزش گذاری‌های ادیان به موسیقی است. حتی برای هنرمندان موسیقی هم این نگاه متفاوت را قائل هستند و مثلاً باخ را فردی می‌دانند که مذهب در آثارش نمود داشته است.

ایرج نعیمایی در این نشست در مورد موسیقی مذهبی و تعاریف آن گفت: عنوان موسیقی مذهبی بسیار کلی است و نیاز به بررسی مفصل دارد.

در طول زمان بشر از تمام ابزارهایش بهره مند شده تا میان زندگی و هنر کارکرد مناسب و متعادلی داشته باشد. نوع بشر سوگواری‌های یکسانی دارند مثلاً در تمام سوگ‌ها ناله‌ای به صدا در می‌آید که از دل برآمده و موسیقی هم هنری است فراتر از تمام هنرها حتی از هنرهای تصویری جامع تر و کامل تر است و این هنر در تمام سوگواری‌ها با آدمی عجین است. مهم این است که در طول تکامل بشر یا از ابتدای شکل گیری تمدن موسیقی همراه آدمیان بوده است.

مثلاً "ابن خلدون" به صراحت می‌گوید: شما از شکل موسیقی یک کشور می‌توانید بفهمید آن جامعه چه گونه به تکامل رسیده است.

دربخش مهمی از ادیان از زرتشت و بودا تا سایر ادیان موسیقی بوده و با قطعیت موسیقی همرا ادیان در تمام ادوار تاریخی بوده است.

اگر بتوانیم موسیقی را دقیق بررسی کنیم شاید به یک خط سیر کامل و جامع برسیم که مثلاً نگرش تورات به موسیقی چه گونه است یا اسلام به چه نحو ... ماحصل این بررسی دریافت شباهت‌های دقیق میان موسیقی و ادیان است.

اما آنچه مهم است و در بررسی‌ها مطرح شده در دوران اسلامی و دوره بنی امیه نشانی از موسیقی نداریم، در حقیقت کار جدی وجود ندارد. ولی وقتی اسلام با هجوم اعراب به ایران وارد ایران می‌شود و حکومت بنی عباس شکل می‌گیرد ساختار تمدنی با فرهنگ اسلامی رقم می‌خورد و موسیقی هم آرام آرام خود را نشان می‌دهد.

بعدها "عبدالقادر مراغه‌ای" یا افرادی دیگر این جریان را گسترش می‌دهند و موسیقی که در این دوران شکل گرفته کاملاً

زنده بشری پایه ریزی شده و ما هم حضور موفقی در این برنامه داشته‌ایم.

همچنین در سازمان میراث فرهنگی و اداره ثبت آثار حدود ۴۰ نفر از ایران که عمدتاً در حوزه موسیقی فعال هستند در یونسکو ثبت شده‌اند و البته این توضیح ضروری است که همانطور که از نام طرح مشخص است ثبت میراث در یونسکو مختص افرادی است که در قید حیات هستند و در زمینه فعالیت خود لقب ممتاز را دریافت کرده‌اند و وظیفه ما هم کشف و حمایت از این افراد است. وی در ادامه عنوان کرد: آخرین فردی که در بخش حمایت از گنجینه‌های زنده بشری به ثبت رسید، "سید احمد مراتب" بود. او تنها فرد و باز مانده از نسلی است که بعد از مرحوم ذبیحی و سلیم مؤذن زاده با آگاهی از موسیقی ردیف دستگاهی نوحه خوانی می‌کردند.

در ادامه مهرداد عربستانی که به عنوان انسان شناس در این نشست شرکت کرده بود گفت:

ما انسان شناسان به موسیقی این گونه نگاه می‌کنیم که کارکرد موسیقی در زندگی انسان‌ها کجاست و چه تاثیری دارد. آنچه برای من جالب است این است موسیقی در تمام ادیان و مذاهب جز لاینفک زندگی بشر بوده و هست. هرچند در بخش‌های مختلف موسیقی کارکردهای متفاوتی دارد. جایی برای تهییج فرد است، گاهی برای تأمل است گاهی برای شورانگیزی و...

رابطه ادیان و موسیقی یک رابطه بسیار پیچیده و متنوع است و گاهی هم رابطه متناقضی دارد. به عنوان نمونه در دین اسلام و مسیحیت نگرش مثبتی نسبت به موسیقی وجود ندارد و شروطی برای موسیقی همیشه برقرار بوده است.

علیرغم این نگرش محدود کننده اما موسیقی در مناسک و آداب عبادی همواره جاری و ساری بوده. نمونه‌های آن بسیار در مراسم روضه خوانی، ترتیل خوانی قرآن یا حتی برگزاری نماز جماعت دیده می‌شود. زمانی که امام جمعه نماز را به ترتیل یا با صوت می‌خواند روح موسیقی آنجا حاکم است و معنی این است که تمام ادیان ما با موسیقی همیشه همراه هستند.

هرگز نمی‌توان کشش ذاتی انسان به موسیقی را کتمان کرد، بر هیچکس پوشیده نیست که موسیقی و مذهب ارتباطی همیشگی داشته و دارد.

در دوران متاخرشاهد این هستیم که در بسیاری از مراسم آیینی موسیقی‌های محلی با مضامین و اشعار دینی همراه شده است.

اما موضوع مهم برای ما انسان شناسان این است که ما در دنیای مدرن موسیقی را ابزاری جدا از زندگی می‌دانیم اما در اصل از گذشته تا به حال موسیقی چیزی جز اصل زندگی نبوده و از زندگی هیچ گاه تفکیک نشده است.

این رویکرد در انسان شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد زیرا در مطالعه اقوام مختلف به نتایج متفاوتی دست پیدا می‌کنیم. موسیقی



کانون پژوهشگران خانه موسیقی برگزار میکند:

سلسله نشستهای پژوهشی ۲

موسیقی مذهبی خوانش و دگرگونی آن

ایرج نجیبی

مهرداد عربستانی

بهروز وجدانی

بهروز بصری

ورود برای عموم آزاد است

چهارشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۱ ساعت ۱۷
خانه هنرمندان ایران، سالن اتحادشماره:

خانه موسیقی ایران

خانه پژوهشگران ایران

از آن دست مراسمهای مذهبی است که از گذشتههای دور ابتکار عمل دست مردم بوده است. به این معنا که از قدیم بچههای کوچک محل جمع می شدند و دستههایی راه می انداختند و روحانیون صرفاً شاید برای سخنرانی دعوت می شدند و در برگزاری این مراسم دخیل نبودند که این خود نکته جالبی است.

به همین ترتیب موسیقی هیئتها و محتوای نوحهها هم متنوع است تا حدی که از موسیقی پاپ برای مناسک ماه محرم به وفور استفاده می شود و معمولاً ابتکار در این مراسم زیاد است و سالهای اخیر شاهد هستیم سبکهای تازه ای ایجاد شده، محتوای نوحهها تغییر کرده حتی سیاست به این برنامهها وارد شده، متن نوحهها رنگ بوی سیاسی گرفته که نمونه آن در سالهای اخیر در شهر یزد و نوحههای خاص آنها دیده می شود. حتی در این دوران بسیاری از نوحهها شورانگیز شده اند و با ریتمهای بالا و مهیج در مناسبتهای مذهبی با موسیقیهای ریتم دار غیر مذهبی برابری می کنند.

این نشست در ادامه با پرسش و پاسخ تعدادی از شرکت کنندگان به انتها رسید.

بر مبنای اندیشههای ایرانی بوده است.

از این بحث به این نتیجه می رسیم که هرچا تمدن است فرهنگ شکل کامل تری به خود گرفته. تمدنی که از بین النهرین شروع شد با فرهنگ هم عجین شد و نتیجه این است که ریشه هر فرهنگی در تمدن رشد می کند و بالنده می شود.

در ادامه این مباحث بهروز وجدانی به این مطلب اشاره کرد که بیشترین آثار فرهنگی ثبت شده در یونسکو مربوط به موسیقی و رقص بوده.

از ایران ۱۷ اثر ثبت شده که در حقیقت رکوردی در خاورمیانه به حساب می آید و از میان این آثار چهار اثر مرتبط با موسیقی است.

به عنوان نمونه زمانی جشنهای نوروزی در میراث فرهنگی یونسکو ثبت شد که بی ارتباط با موسیقی نبوده و نیست. موسیقی "بخشیهای خراسان" و "تعزیه" هم از آثار مذهبی به ثبت رسیده در یونسکو است.

همچنین پرونده نقالی که با موضوعات مذهبی هم راستاست از جمله آثار فرهنگی ثبت شده در یونسکو است.

همچنین مهرداد عربستانی در ادامه گفت: مناسک ماه محرم

گزارشی از مجمع عمومی خانه موسیقی

اساسنامه خانه بازنگري و مواردی اصلاح شد



ساختار شورای دآوری، محدودیت انتخاب دوره‌های بعد برای اعضای هیئت مدیره، افزایش دو به چهار سال دوره مسئولیت مدیرعامل و تفویض افزایش حق عضویت تا پنجاه درصد به هیئت مدیره از موارد اصلاحی اساسنامه بود که مورد تصویب قرار گرفت.

پس از اصلاح اساسنامه موضوع میزان حق عضویت سالانه اعضا مطرح شد.

در این زمینه حمیدرضا عاطفی دبیر هیئت مدیره به عنوان مقدمه این مورد گفت حدود پنج سال است که علیرغم تورم بالای سالیان اخیر در کشور، حق عضویت‌ها هیچگونه افزایشی نداشته است ولی به علت افزایش سرسام آور هزینه‌ها خانه موسیقی، ناگزیر به افزایش حق عضویت‌ها به میزان کم دوبرابر است.

محسن رجب پور عضو دیگر هیئت مدیره نیز در این باره گفت: بنا به گفته آقای نوربخش که در ابتدای جلسه عنوان شد هر عضو سالانه بیش از پنج میلیون تومان بارانه بابت حق بیمه و بیمه تکمیلی دریافت می‌کند لذا افزایش حق عضویت تا سقف ده درصد این مبلغ منطقی است.

داریوش پیرنیاکان رئیس هیئت مدیره با مخالفت نسبت به افزایش نامتعارف گفت بهتر است نسبت به افزایش نسبی اقدام کنیم؛ همچنین تقی ضرابی با اشاره به اینکه بسیاری از اعضا از هنرجویان و دانشجویان هستند و توان مالی بالایی ندارند مبلغ پایین تری را به عنوان حق عضویت پیشنهاد داد.

در این خصوص پیشنهادهای مختلفی مطرح و اکثریت اعضا به اشاره به وضعیت نامناسب اقتصادی هنرمندان و تنگناهای موجود با افزایش چپشی مخالفت کردند.

در پایان و بعد از بحث و بررسی‌های فراوان پیرامون پیشنهادهای مختلف، در نهایت مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان در سال برای حق عضویت، تعیین و به تصویب اکثریت اعضای مجمع رسید.

مجمع عمومی فوق العاده خانه موسیقی با حضور اعضای مجمع روز گذشته در محل خانه موسیقی برگزار شد.

در برگه دعوتنامه حضور در مجمع، دو مورد دستور جلسه عنوان شده بود که یکی اصلاح بندهایی از اساسنامه با ذکر شماره بندها و دوم بررسی میزان حق عضویت اعضا بود که در این مجمع هر دو عنوان مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در آغاز و قبل از تعیین هیئت ریسه مجمع، حمیدرضا نوربخش گزارش اجمالی از اتفاقات و مسائل اجرایی خانه ارائه داد و با اشاره به تشکیل هیئت مدیره جدید گفت خوشبختانه این هیئت مدیره با جدیت تمام در حال برنامه ریزی و کوشش برای اعتلای خانه موسیقی هستند.

مدیرعامل خانه در ادامه به دوره‌های قبلی هیئت مدیره نیز اشاره کرد و گفت اعضای قبلی نیز هر یک نقش و تاثیرات مثبتی داشتند اما آقای ضرابی به عنوان ریسه هیئت مدیره قبلی نمونه بارز یک فرد متعهد و دغدغه مند بود که بدون کمترین غیبت و با حضوری مجدانه در این راه زحمات بسیار کشیده است.

نوربخش در پایان به موارد اصلاحی و موضوع حق عضویت اشاره کرد و گفت بعد از ماهها بحث و تبادل نظر در هیئت مدیره و مشاوره با بخش حقوقی خانه اصلاحاتی صورت گرفته که امروز راجع به بند بند آنها صحبت و در نهایت رای گیری خواهیم کرد.

سپس با رای اعضای حاضر تقی ضرابی به عنوان رئیس مجمع؛ نازنین جلالی منشی و غلام علمشاهی به عنوان ناظر انتخاب شدند. پس از استقرار هیئت رئیسه موارد و بندهای اصلاحی یک به یک مورد بحث و بررسی قرار گرفته و بعدا رای گیری شد.

بندهای مربوط به عضویت (موارد سلب عضویت)، تشکیل و

غروب «سایه» در باغ محترم



مراسم تدفین پیکر مرحوم «امیر هوشنگ ابتهاج» ۵ شهریور در رشت برگزار شد. در این مراسم دوستداران فرهنگ و هنر، شهروندان گیلانی، جمعی از مسئولان دستگاه‌های اجرایی و خانواده مرحوم ابتهاج حضور داشتند.

یلدا ابتهاج فرزند زنده یاد هوشنگ ابتهاج در حالی که به شدت متأثر بود گفت: «آرزوی پدرم بازگشت به وطن بود که آن را به آرزویش رساندیم.»

او گفت: امروز روز بزرگی برای ما ایرانیان با بازگشت سایه به وطن است و پدر این را بارها گفته بود و امروز خانواده سایه را به وطن برگرداند زیرا آرزو داشت به این خاک سپرده شود.

اوبا بیان اینکه پدرم را به شما می‌سپاریم و به هر شکلی که می‌توانید پاسدارش باشید و در غیاب ما به او سر بزنید، ادامه داد: تا لحظه آخر سایه با شعر ماند و او را با همین زبان پاس بدارید و به آیندگان بسپارید. او افزود: امروز آن روزی است که سال‌ها در نگرانی‌اش بودم و تصویری از آن نداشتم. تا لحظاتی دیگر پیکر شریف پدرم را در این خاک به امانت می‌گذاریم. سایه با شعرش حرف‌هایش را به ما زده و حرف اضافه دیگری نداشته است. او همه حرف‌هایش را در اشعار درخشان منتقل کرده است. امیدوارم چه من، چه خانواده و همه مردم این پیام‌ها را به گوش جان بشنویم و بخوانیم و در تمام لحظات با آن همراه باشیم. فرزند او خاطرنشان کرد: سایه معتقد بود کسی که با صداقت و صمیمیت صحبت می‌کند، مردم قدرش را می‌دانند و پاسخش را می‌دهند. روز بزرگی برای ایران است. بازگشت سایه به وطن، آرزویی بود که او همیشه داشت.

او در ادامه گفت: سایه تا دقایق آخر زندگی با شعر ماند و داتما شعر و شاعر را از رودکی تا امروز تحسین می‌کرد. سایه را با همان زبان همان میراثی را که به ما رسیده، پاس بدارید و به آیندگان بسپارید؛ قطعا فرزندان آینده در هر کجای این سرزمین و در هر جای جهان شعر سایه را به زبان زیبای فارسی خواهند خواند. ناصر وحدتی، پرواز همای و علی جهاندار از جمله حاضرین در این مراسم بودند. گفتنی است همایون شجریان هم درخت ارغوانی را برای این مراسم ارسال کرده بود.

زنده یاد هوشنگ ابتهاج (ه الف. سایه) روز ۱۹ مرداد ماه در سن ۹۵ سالگی در آلمان درگذشت.

پیکر ابراهیم قنبری مهر در بهشت سکینه کرج آرام گرفت



و اشاعه موسیقی برای تعمیر آوردند. دکتر داریوش صفوت (موسیقیدان و نوازنده) به من گفت: «شکارچی اینها را پیش استاد قنبری مهر ببر و بخواه که سازشان را تعمیر کند.»

شکارچی تصریح کرد: ساز را آنجا بردیم و ایشان بعد از یک یا دو روز ساز را بازگرداند. نوازنده پس از دیدن ساز حیرت کرد که چگونه سازی را که آنگونه شکسته شده بود بدون اینکه در ظاهر معلوم باشد و نه آسیبی به صدا وارد شود، تعمیر کرده است. این هنرمند در خاطره دیگری درباره این هنرمند فقید می‌گوید: در سال ۵۳ اولین بار ایشان را دیدم. همیشه که گویا با شوق و علاقه دوست داشت بنوازد، ویولن را برداشت و در ابوعطا نواخت؛ چنان که آن صدا را هیچگاه فراموش نمی‌کنم. به ایشان گفتم که می‌خواهم کمانچه‌ای بسازم که دسته آن از بالا باریک و از پایین پهن باشد که بتوانم متفاوت از دیگران بنوازم. استاد قنبری مهر در پاسخ خاطره‌ای برای من تعریف کرد و گفت: «گروهی موسیقی از آذربایجان به ایران آمده بودند. بعد از کنسرت مرا صدا زدند که ببینم چگونه کمانچه‌ای دارند که آنقدر خوش صدا است؟ ولی من دیدم که تنها یک کاسه خیلی معمولی است که سیخی به آن وصل شده و اصلاً چیز خاصی ندارد. در نتیجه متوجه شدم که سازهای ما هیچ نقصی ندارد و این نوازنده‌ها هستند که باید آنها را بسازیم.» این درسی بود که همیشه در گوش من بود و فهمیدم که باید خود را تغییر دهم نه ساز را.

یوسف پوریا - سازنده ساز - درباره مرحوم قنبری مهر بیان کرد: استاد قنبری در تاریخ کشور ما یکی بود نه دو تا و اگر فرد دیگری در حد و توانایی استاد قنبری در کشور ما متولد شود واقعا معجزه است. روحشان شاد روانشان پاک.

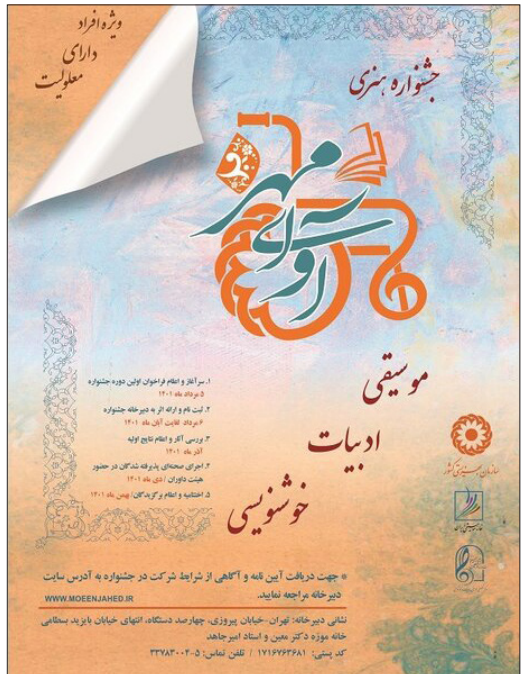
پیکر ابراهیم قنبری مهر - سازنده سرشناس ساز - که جمعه ۲۱ مرداد ماه درگذشت، صبح شنبه - ۲۲ مرداد ماه با حضور جمعی از هنرمندان و خانواده آن مرحوم به خاک سپرده شد. در این مراسم محمد الهیاری (مدیر کل دفتر موسیقی) و هنرمندانی چون حسین علیزاده، علی اکبر شکارچی، بیاض امیرعطایی، محسن راسخ، عباس سجادی، شروین مهاجر، مهراں مهرنیا، یوسف پوریا، حسین بهروزی‌نیا و ... حضور داشتند. حسین علیزاده، موسیقیدان و آهنگساز در این مراسم بیان کرد: «اساتید بزرگی داشتیم و همین که آنها را می‌دیدیم و معاشرت می‌کردیم، برای ما دنیای بزرگی بود ولی وقتی که از همه چیز کم می‌آوردیم، نزد استاد قنبری مهر می‌رفتیم. اصلاً وقتی ایشان را نگاه می‌کردیم به ما آرامش می‌داد. و چقدر ایشان مشوق بودند و از سال‌های خیلی نوجوانی که از کارگاه فرهنگ و هنر ایشان را می‌شناختم و سنم خیلی کم بود همیشه بین آدم‌هایی که می‌دیدم حس می‌کردم ایشان با نور حرکت می‌کنند و خود نور است. من هر زمانی که دلم می‌گرفت با ایشان دیداری می‌کردم تا حالم خوب شود. استاد قنبری اینی نیست که اینجا خوابیده، آنی است که در تمام زندگی ما جریان داشته و خواهد داشت.»

علی اکبر شکارچی - نوازنده کمانچه و آهنگساز - نیز بیان کرد: متأسفم که یکی از استادانی که سازسازی نوین را در ایران بنیان گذاشت، از میان ما رفت. دو خاطره از ایشان دارم که یکی توانایی و نخبگی سازسازی ایشان هست و یکی پند و اندرز است که به همه ما موسیقیدان‌ها وارد است.

او ادامه داد: مدت‌ها پیش گروهی که گویا از اتریش آمده بودند، ویولنسل شکسته به همراه داشتند و آن را به مرکز حفظ

اخبار موسیقی

جشنواره هنری «آوای مهر» برپا می‌شود



برگزار شود. رده سنی شرکت‌کنندگان از این قرار است که ۵ تا ۱۱ سال گروه الف، ۱۲ تا ۱۸ سال گروه ب، ۱۹ تا ۳۵ سال گروه ج، و ۳۶ سال به بالا نیز رده سنی د، که با توجه به نوع معلولیت از یکدیگر تفکیک خواهند شد.

این جشنواره در بخش‌های موسیقی در قالب تک‌خوانی، دنوازی، و گروه‌نوازی برگزار خواهد شد. بخش شعر و ادبیات، شامل شعر نو، کلاسیک، و قطعه ادبی با موضوع آزاد خواهد بود. بخش خوشنویسی نیز در سه بخش قلم‌نی، تحریر، و نقاشی خط برگزار خواهد شد که موضوع آن نیز آزاد خواهد بود و هر شرکت‌کننده مجاز است یک اثر در اندازه ۵۰ در ۷۰ و یا در قطع آ۴ بدون قاب یا پاسپار تو به دبیرخانه ارسال کند. این جشنواره از سوی اداره کل بهزیستی استان تهران و با مشارکت خانه موسیقی ایران، شهرداری تهران، خانه‌موزه دکتر معین و استاد امیرجاهد و دیگر نهادها برگزار می‌شود.

مدیرعامل جدید انجمن موسیقی ایران معرفی شد



امیرعباس ستایشگر به عنوان مدیرعامل جدید انجمن موسیقی ایران معرفی شد. سید امیرعباس ستایشگر متولد ۱۳۵۸، دانش‌آموخته دوره کارشناسی موسیقی از دانشگاه سوره، دارای مدرک کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و همچنین دکتری زبان و ادبیات فارسی از

جشنواره هنری «آوای مهر» در جهت حمایت از افراد دارای معلولیت در سه بخش برگزار می‌شود. این جشنواره ویژه افراد دارای معلولیت است و در سه بخش «موسیقی»، «ادبیات» و «خوشنویسی» برگزار می‌شود و علاقمندان می‌توانند روز بعد از برگزاری آیین افتتاحیه جشنواره، یعنی از تاریخ ۶ مرداد به بعد، آثار خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند.

علاقمندان می‌توانند آثار خود را تا پایان آبان‌ماه، روی سی‌دی کپی کرده و پس از تکمیل فرم درخواستی ارسال کنند. همچنین این امکان فراهم شده تا از طریق واتس‌آپ و تلگرام فرم مربوطه و آثار خود را برای دبیرخانه ارسال کنند. اعلام نتایج و بررسی آثار در آذرماه انجام و اطلاع‌رسانی خواهد شد. گفتنی است پیش‌بینی می‌شود اجراهای صحنه‌ای در دی‌ماه

دانشگاه خوارزمی است.

ستایشگر، مسئولیت بخش نسلی دیگر، دبیری بخش پژوهش، عضویت در هیئت انتخاب و داوری بخش موسیقی و رسانه را در ادوار مختلف جشنواره موسیقی فجر برعهده داشته است. وی عضویت در هیئت مدیره مجمع صنفی ناسران موسیقی، انجمن موسیقی استان تهران و کانون پژوهشگران خانه موسیقی و دبیر هنری همایش "حافظ و موسیقی" و "عطار و موسیقی" را در کارنامه فعالیت‌های خود دارد. قیل از ستایشگر علی نیکنام انزایی این مسئولیت را برعهده داشت که از خدمات دولتی بازنشسته شد.

نصیر حیدریان به عنوان رهبر ارکستر سمفونیک تهران انتخاب شد



با حکم مشاور وزیر و مدیرعامل بنیاد رودکی و با پیشنهاد اعضای شورای هنری ارکستر، نصیر حیدریان برای یک دوره یک‌ساله به عنوان رهبر دائم ارکستر سمفونیک تهران انتخاب شد. نصیر حیدریان آهنگساز و رهبر ارکستر طی حکمی از سوی مجید زین‌العابدین مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی به عنوان رهبر دائم ارکستر سمفونیک تهران معرفی شد. مجید زین‌العابدین در حکم خود خطاب به نصیر حیدریان بر برنامه‌ریزی، آماده‌سازی و رهبری اجراها، ضبط و تمرینات ارکستر در چهارچوب برنامه‌های مصوب و معرفی و پیشنهاد رهبران مهمان تأکید کرده است. تلاش در جهت ارتقای دانش و مهارت فنی نوازندگان به وسیله تعیین رپر توارهای مناسب از دیگر نکاتی است که مدیرعامل بنیاد رودکی در حکم خود به آن اشاره کرد. نصیر حیدریان در سال‌های اخیر چندین نوبت به عنوان رهبر

مهمان، رهبری اجراهای ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران را به عهده داشته است.

مصادیق تخلفات اجرای آثار موسیقایی اعلام شد

مصادیق تخلفات اجرای آثار موسیقایی اعلام شد و در این زمینه شورای جدید تشکیل شده است. شورای رسیدگی به تخلفات انتشار و اجرای آثار موسیقایی دفتر موسیقی تاکنون ۸ جلسه تشکیل داده و در این مدت ۴۴ رأی در این شورا صادر شده است. برابر آئین نامه نظارت بر انتشار و اجرای آثار موسیقایی، شورای رسیدگی به تخلفات انتشار و اجرای آثار موسیقایی در دفتر موسیقی تشکیل می‌شود.

اعضای این شورا طبق آئین نامه شامل نمایندگان از تشکل‌های حوزه موسیقی، نماینده شورای شعر، ترانه و کلام، نماینده شورای موسیقی این دفتر و مدیران دفتر موسیقی هستند. این در حالی است که در ۸ جلسه برگزار شده شورای رسیدگی به تخلفات ۴۴ رأی صادر شده است.

در این جلسات تخلفات صورت گرفته از سوی شرکت‌ها، موسسات، خوانندگان و گروه‌های موسیقی در حوزه انتشار و اجرای آثار موسیقایی رسیدگی شده که از آرای صادره از سوی این شورا می‌توان به تذکر شفاهی یا کتبی (بدون درج در پرونده)، تذکر شفاهی یا کتبی (با درج در پرونده)، تعلیق مجوز یا مجوزهای مورد تقاضا (از یک ماه تا یک سال) و عدم صدور مجوزهای جدید (از سه ماه تا یک سال) اشاره کرد.

انتشار آثار بدون اخذ مجوز از دفتر موسیقی، عدم تطبیق اثر صوتی و تصویری منتشر شده با مجوز صادره از سوی دفتر موسیقی، انجام حرکات نمایشی در اجرای صحنه‌ای موسیقی بدون اخذ مجوزهای لازم، به کار بردن کلمات ناشایست بر روی استیج، پوشش نامناسب خواننده و اعضای گروه، اجرای پلی بک، حضور افراد غیرمرتبط بر روی استیج حین اجرای صحنه‌ای، پخش ماهانگ و محتوای بدون مجوز یا خارج از موارد تعریف شده و هرگونه رفتار خارج از عرف اجراهای صحنه‌ای توسط خواننده و یا اعضای گروه، تأخیر در شروع اجراهای صحنه‌ای از سوی برگزارکنندگان، جعل مجوزهای دفتر موسیقی و موارد مشابه برخی مصادیق تخلفات اجرای آثار موسیقایی هستند.

برابر آیین نامه، چنانچه تخلفات رخ داده در هر استانی باشد، آن استان با تشکیل جلسات مشابه، صلاحیت رسیدگی به موارد مربوطه را دارد.

درگذشتگان فصل تابستان

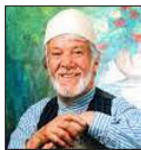
وی کنسرت مایستر ارکستر ملی و نوازنده ویولن به دلیل ابتلا به کرونا درگذشت. منوچهر انصاری در سال ۱۳۲۵ در تهران متولد شد. او در سال ۱۳۳۸ با تشویق پدر و دایی خود وارد



هنرستان موسیقی شد. پس از ورود به هنرستان فراگیری ویلن را نزد والدین تاروخانیان آغاز کرد در ادامه تا مرحله دریافت دیپلم تحت تعلیم حشمت سنجرى و پس از آن تا دریافت لیسانس از کلاس‌های سرژ خوتسیف بهره برد. پس از فارغ‌التحصیلی از هنرستان راهی کشور بلژیک شد و در کنسرواتوار سلطنتی بروکسل به مدت ۲ سال به تکمیل فراگیری ویلن پرداخت. او در سال ۱۳۵۵ از دوره تکمیلی موسیقی اسپانیایی در شهر سانتیاگو دکومپوستلا تحت نظر «آگوستین لئون آرا» و در سال ۱۳۵۶ از دوره تکمیلی نزد «مانوئل دوفایا» بهره جست. وی در سال ۱۳۵۷ موفق به دریافت دیپلم رشته «موسیقی مجلسی» از کلاس «وان دن دوران» و دیپلم رشته «تجزیه و تحلیل موسیقی کلاسیک» گردید. در ادامه به شهر نیس فرانسه سفر کرد و در «آکادمی بین‌المللی نیس» نزد نوازنده ویلن بلژیکی «موریس راسکن» آموخته‌های خود را تکمیل و دیپلم آکادمی را دریافت نمود. در بیستمین جشنواره موسیقی فجر که بهمن ۱۳۸۳ برگزار شد با اهداء لوح تقدیر و جایزه از منوچهر انصاری تجلیل شد. همچنین در دومین دوره «سال نوای موسیقی ایران» که در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۹۵ در تالار خلیج فارس بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران (فرهنگسرای نیاوران) تهران برگزار گردید، از منوچهر انصاری با اهداء لوح و تندیس «سال نوا» تقدیر به عمل آمد

عباس منتجم شیرازی

عباس منتجم شیرازی، خواننده پیشکسوت موسیقی محلی فارس در ۸۷ سالگی درگذشت.

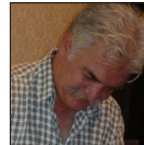


عباس منتجم شیرازی بازیگر، تهیه‌کننده و خواننده در دهه ۱۳۴۰ با خواندن ترانه‌های محلی معروف شد و متأسفانه روز ۲۲ مرداد ماه در سن ۸۷ سالگی در شهر اصفهان دارفانی را وداع گفت.

او در سال ۱۳۱۴ در شیراز متولد شد و از کودکی

سیاوش نورپور

سیاوش نورپور نوازنده پیشکسوت تار و سه تار بعد از یک دوره بیماری جان به جان آفرین تسلیم کرد.



این هنرمند پیشکسوت کرمانشاهی پس از یک دوره بیماری اواخر تیرماه سال جاری در کرمانشاه جان به جان آفرین تسلیم کرد.

سیاوش نورپور در رشته نوازندگی تار و سه تار تبحر داشته و با ذوق سرشارش آثار ماندگاری با همکاری خوانندگانی چون شهرام ناظری، طاهرزاده، جلال محمدیان و... بر جای گذاشته است.

امیر اشرف آریان پور

امیر اشرف آریان پور موسیقیدان، پژوهشگر و نویسنده پیشکسوت به علت ایست قلبی اوایل مرداد ماه جان به جان آفرین تسلیم کرد.



امیر اشرف آریان پور کاشانی متولد ۱۳۰۷ از فارغ‌التحصیلان هنرستان موسیقی ملی و دارای دکترای موزیکولوژی بود.

این پژوهشگر و نویسنده عرصه موسیقی همچنین دارای مدرک دکترای ادبیات و مدیریت ازدانشگاه تهران بود. آریان پور در رشته پژوهش و آموزش هنر نیز تحصیل کرد و یکی از شناخته شده ترین مدرسان هنر در مراکز علمی و آموزشی ایران به شمار می‌رفت.

وی به همراه همسرش پری ثمر در زمینه آموزش و اجرای اپرا در ایران فعالیت داشت و آثار ارزشمندی در حوزه‌های مختلف موسیقی ارائه داده است.

دکتر امیر اشرف آریان پور در سال ۱۳۹۳ و در جشن خانه موسیقی به پاس یک عمر فعالیت پژوهشی و علمی تندیس خانه موسیقی را دریافت کرد.

مراسم تشییع و تدفین این موسیقیدان روز یکشنبه ۹ مردادماه در قطعه هنرمندان بهشت زهرا برگزار شد.

منوچهر انصاری

منوچهر انصاری، نوازنده ویولن و موسیقیدان امروز ۲۱ مرداد در ۷۶ سالگی درگذشت.

موسیقی محلی را فرا گرفت. او در سال ۱۳۴۱ با خوانندگی و بازیگری در فیلم عروس دهکده وارد سینما شد. وی برای نخستین بار، ترانه فولکلور واسونک شیرازی را در یک فیلم سینمایی اجرا کرد و به گوش مخاطبان رساند.

عباس احمدی لاله‌زار

پیکر زنده یاد عباس احمدی لاله‌زار در کنار منوچهر همایون‌پور به خاک سپرده شد.

مراسم تشییع پیکر زنده یاد عباس احمدی لاله‌زار روز جمعه ۴ شهریور ماه در قطعه هنرمندان بهشت زهرا برگزار شد و پیکر وی در کنار مزار دوست قدیمی‌اش منوچهر همایون‌پور، موسیقیدان و ادیب، آرام گرفت.

زنده یاد عباس احمدی لاله‌زار در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در شهر مشهد متولد شد. صدای خوب و رسا در خانواده او موروثی بود و مادر و دائی وی از صدای بسیار خوب بهره‌ور

بودند

عباس احمدی، ردیف‌ها و گوشه‌های آواز ایرانی را از روی صفحات گرامافون خواندگانی نظیر: جواد بدیع‌زاده، سید حسین طاهرزاده، قمرالمولک وزیری، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری، روح‌انگیز و تعداد دیگری از نام‌آوران موسیقی سنتی ایران فرا گرفت و سعی داشت که از مکتب هر یک از ایشان بهره‌ای گیرد.

وی علاوه بر نواختن تار با نواختن ویولن نیز آشنایی داشت، موسیقی را فقط به خاطر نفس موسیقی و دل خود فراگرفت و دنبال کرد و یکی از چهره‌هایی بود که در موسیقی سنتی، به مناسبت خوانی در محافل دوستان و آشنایان مشهور بود.

خانه موسیقی ایران درگذشت این هنرمندان عزیز را به خانواده محترم شان و جامعه موسیقی ایران تسلیت می‌گوید.

داوازیساد

..

در پی جان باختن دلخراش مهسا امینی خانه موسیقی ایران پیامی را منتشر کرد.
متن بیانیه بدین شرح است:
داد از بیداد..

بر نمی‌آید نفس بیرون از این ظلمی که بر فرزندان این آب و خاک روا داشته می‌شود.
مهسا امینی فرزند این ملت بود. دختری معصوم که به چنگال بدخیم بی‌درایتی و بی‌مسئولیتی در اوج جوانی از پای درآمد و ملتی را در غم و اندوه فرو برد ... غم و اندوه ملت نه فقط برای مهسا است که مهسا جاودان و رستگار شد... .

اندوه ملت از ناامیدی به اصلاح امور و نبود تلاش برای جلوگیری از تکرار چنین فجایعی است!
خانه موسیقی ایران ضمن تقبیح هر گونه برخورد خشن و غیر فرهنگی با فرزندان و آحاد این ملت این ضایعه‌ی اسفناک و دردناک را به خانواده‌ی مهسا امینی و ملت شریف ایران تسلیت می‌گوید و از درگاه خداوند منان آینده‌ای درخشان و تابناک را برای مردم ایران مسئلت می‌نماید.



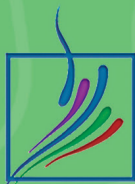
فراخوان چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» منتشر شد



ثبت‌نام و نسبت به تکمیل فرم حضور در این نمایشگاه اقدام کنند.

علاقه‌مندان و سازسازان برای ثبت‌نام در این نمایشگاه می‌توانند به صورت حضوری به خانه موسیقی ایران مراجعه کرده و یا به صورت آنلاین برای شرکت در این نمایشگاه فرم حضور را به شماره واتساپ خانه موسیقی (۰۹۳۶۴۱۱۳۱۰۰) ارسال کنند.

چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» به همت خانه موسیقی ایران و کانون سازندگان ساز و با همراهی خانه هنرمندان ایران در شاخه‌های سازهای ایرانی، کلاسیک و ابداعی از تاریخ ۲۷ آبان ماه تا ۴ آذر ماه سال جاری در خانه هنرمندان برپا می‌شود. علاقه‌مندان متقاضی حضور در این نمایشگاه تا ۱۵ مهرماه امسال فرصت دارند تا در این رویداد



خانه موسیقی ایران

www.iranhmusic.ir